

# خاطراتی از

علامه شهید مرتضی مطهری (ره)

در کلام

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

تهیه و تنظیم:	محمد موحدی نژاد
طراحی جلد و صفحه بندی:	حسین قنادی
چاپ:	زمستان ۱۳۹۱
شمارگان:	۰۰۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، صندوق پستی ۶۳۵۵ - ۱۴۱۵۵

آدرس: تهران، میدان فلسطین، خیابان فلسطین، کوچه شهید

نایی، پلاک ۷ - تلفن تماس: ۶۶۹۵۵۱۵



### فهرست کتاب

مقدمه؛ ..... ۷

۱- توّسل به امام رضا علیه السلام ..... ۱۱

۲- در دنیای تبلیغ ..... ۱۲

۳- راهنمای کار خیر ..... ۱۳

۴- مقام معلمی ..... ۱۴

۵- نقش معلم متفکر ..... ۱۵

۶- عشق به معلّم ..... ۱۶

۷- حضور در تلویزیون ..... ۱۶

۸- تشکر از خانواده ..... ۱۷

۹- انتظار و تلاش ..... ۱۷

۱۰- ارزش معلّمی ..... ۱۸

۱۱- حلال ترین پول ..... ۱۸

۱۲- سوز معلمی ..... ۱۸

۱۳- دفاع از مرحوم راشد ..... ۱۹

۱۴- دیدار از علما و انقلابیون ..... ۱۹

۱۵- یک مثال ..... ۱۹

۱۶- سفارش به یک دعا ..... ۲۰

۱۷- فرق تاریخ و فلسفه آن ..... ۲۱

۱۸- یک نصیحت از دو استاد ..... ۲۲

۱۹- نشانه‌ی تواضع ..... ۲۲

۲۰- غیرت دینی ..... ۲۳

۲۱- حمایت روحی و مالی ..... ۲۳

۲۲- کمالی دیگر ..... ۲۳

۲۳- اهم و مهم ..... ۲۴

۲۴- لسان قوم ..... ۲۴

۲۵- آرزوی برپائی نماز جمعه ..... ۲۵

۲۶- آرزوی شهادت ..... ۲۵

۲۷- رفتار استاد ..... ۲۵

۲۸- روحانیت و مقابله با عقائد انحرافی ..... ۲۶

۲۹- انتخاب روش تبلیغ ..... ۲۶

۳۰- راه انحراف مذهب از دیدگاه مارکس ..... ۲۷

۳۱- ظلم به مکتب ..... ۲۸

۳۲- تضاد فرهنگ شرق و غرب ..... ۲۸

۳۳- اهمیت بحث اخلاق ..... ۲۹

۳۴- عالم خوب ..... ۲۹

۳۵- خطر برداشتهای انحرافی ..... ۳۰

۳۶- علامه و فیلسوفِ روضه خوان ..... ۳۰

۳۷- کتاب برای کودکان ..... ۳۱

۳۸- سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۳۲

۳۹- اثر یاد و راه خدا ..... ۳۲

۴۰- نعمت هدایت ..... ۳۳

۴۱- پاسخ دندان شکن به مارکسیست‌ها ..... ۳۴

۴۲- جایگاه ادب و اخلاق ..... ۳۴

۴۳- جامعه پاک و آلوده ..... ۳۵

۴۴- نان خوردن با کتاب ..... ۳۶

۴۵- فوز عظیم ..... ۳۷

۴۶- نعمت اتحاد و وحدت ..... ۳۷

۴۷- خواب دیدن ..... ۳۸

۴۸- تقوا و محدودیت ..... ۳۹

۴۹- ایمان امام خمینی(ره) ..... ۴۰

- ۴۱-۵۰- خورشید مغرب .....
- ۴۳-۵۱- هر چیز به جای خود نیکوست.....
- ۴۳-۵۲- کدام سود و زیان؟.....
- ۴۴-۵۳- محتوای کتاب معارف.....
- ۴۵-۵۴- که و چه کتابی؟.....
- ۴۶-۵۵- تحکم یا حکومت؟.....
- ۴۶-۵۶- داناترین مردم.....
- ۴۷-۵۷- اثر خون شهید.....
- ۴۸-۵۸- ارتباط وحدت و امر به معروف.....
- ۴۹-۵۹- حقوق زن در قرآن.....
- ۵۰-۶۰- غفلت زدائی .....
- ۵۲-۶۱- به رسم امانت.....
- ۵۳-۶۲- زمینه سازی .....
- ۵۳-۶۳- ارباب یا نوکر.....
- ۵۴-۶۴- نماز و شیک پوشی .....
- ۵۴-۶۵- حقوق و حجاب زن.....
- ۵۵-۶۶- آزادی و آگاهی.....
- ۵۶-۶۷- قصه گوئی .....
- ۵۶-۶۸- حضور قلب.....
- ۵۷-۶۹- اخلاص.....
- ۵۸-۷۰- تجربه آموزی .....
- ۵۹-۷۱- شرائط زمان و مکان.....
- ۶۰-۷۲- ترویج فرهنگ اذان گویی.....
- ۶۱- \* شناخت حق .....
- ۶۲-۷۳- احساس مسئولیت و دقت در کار.....
- ۶۳-۷۴- کار، فعالیت و تحصیل زن.....

- ۶۴-۷۵- زمان خوب و بد .....
- ۶۵-۷۶- بنده خوب خدا.....
- ۶۶-۷۷- فقط به نام خدا.....
- ۶۷-۷۸- تذکر و یادآوری.....
- ۶۷-۷۹- تحریف عاشورا.....
- ۶۸-۸۰- تمدن ملی و دینی .....
- ۶۹-۸۱- ویژگی های علم و ایمان.....
- ۷۱-۸۲- هدایت جامعه .....
- ۷۲-۸۳- نظر عالم سنّی و محل تولد امام علی علیه السلام.....
- ۷۲-۸۴- خطر فتنه .....
- ۷۳-۸۵- تبری و تولّی یا جاذبه و دافعه .....
- ۷۴-۸۶- نفوذ ناپذیری .....
- ۷۵-۸۷- تاثیر دوست و همنشین .....
- ۷۵-۸۸- تولید، توزیع، مصرف.....
- ۷۶-۸۹- تشنگان فهم.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه؛

«أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، أقرأً وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»<sup>۱</sup>

«بخوان بنام پروردگارت که جهانیان را آفرید، انسان را از خون بسته سرشت، بخوان پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.»

از افتخارات اسلام این است که کارش را با قرائت، علم و قلم شروع کرده و اولین فرمان خداوند به پیامبرش فرمان فرهنگی بود. خواندن لوحی که برای اولین بار در برابر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باز شد، منظم و مکتوب بود.

نکته جالب توجه دیگر اینکه، آنجا که نظر به مسئله آفرینش است، خداوند، خود را کریم خوانده «ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي خَلَقَكَ» (انفطار/۶ و ۷) ولی آنجا که موضوع علم، قلم، خواندن و یادگیری مطرح است خود را «اکرم» خوانده است. «أَقْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»، آری در مکتب اسلام آغاز تحصیل علم باید به نام خدا باشد «أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ» فارغ التحصیلان نیز باید

در راه او قدم بردارند . «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ، وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ»<sup>۱</sup>

یعنی خواندن، علم و دانش، تعلیم و تعلم باید جهت الهی داشته باشد تا ارزش واقعی پیدا کند.

چون وحی الهی سرچشمه علوم بشری، و معلم اصلی انسان خداست. و اگر انسان به وحی و دین و علم الهی تربیت نشود نه تنها رشد و تکامل انسانی و واقعی نخواهد کرد، بلکه همچون حیوانی درنده طغیانگر خواهد شد. چون در تربیت الهی انسان به جایی می رسد که جز خدا نبیند و ملائکه بر او سجده می کنند.

پس تعلیم و تعلم از شئون الهی و شغل انبیاست. «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ» که هر انسانی با پذیرش این مسئولیت سنگین نام خویش را در قالب و واژه مقدس «معلم» ثبت می کند، معلم است که علم و ایمان را بر روح جان و ضمیرهای پاک حک کرده و ندای فطرت الهی را به گوش همگان می رساند و سیاهی های جهل و نادانی را از دلها زدوده و آب حیات و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد.

بر این اساس و بنا به فرموده بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره)؛ معلم همیشه بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی حرکت نموده و تلاش در راه مکتب و دین همت اساسی او بوده و به هیچ بیگانه ای مجال تهاجم و شیخون به آن فرهنگ الهی و ارزشی را نمی دهد.

و بر همین مینا این مهم در بیانات رهبر عزیز و فرزانه انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای (زیدعزه) تاکید شده که: وجود ارزشمند معلم در سرنوشت یک ملت بسیار مؤثر بوده و با دست توانای معلم است که چشم انداز با کرامت و عزت آینده ملت ترسیم می‌شود.

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شأن خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان را با هدف متعالی خلقت یعنی عبادت، برقرار سازد. لذا به حق می‌توان گفت که استاد شهید علامه فیلسوف مطهری (ره) یکی از عالمان ربانی و معلمان راستین در عرصه‌ی علم و دانش و تربیت بود که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می‌کرد و ثانیاً تمامی تلاش‌های علمی و عملی را مقدمه‌ای برای عبادت، عبودیت و اطاعت الهی می‌دانست و در این راه به مرحله‌ی سوم یعنی دینداری راه یافت و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل ساخت.

در این مسیر خطیر، بزرگانی گام نهاده‌اند که نامشان بر تارک زمان می‌درخشد. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (ره) از همین طایفه مقدس است که در سنگر تعلیم و تعلم و تنویر افکار، به قله‌های رفیع شهادت دست یافت تا آنجا که معلم و معمار کبیر انقلاب اسلامی در وصف و جایگاه او فرمود:

مطهری پاره تن من بود و آثار قلم و زبان شهید مطهری بی استثناء آموزنده و روانبخش است و موعظه و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند است.

... من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم، مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود ...

و حضرت آیه الله خامنه‌ای (زیدعزه) در رابطه با شخصیت و جایگاه این استاد شهید فرمودند:

من خودم را شاگرد آقای مطهری می‌دانم ... یکی از عناصری که بنیه فکر اسلامی من را پایه گذاری کرده است سخنرانی‌های آقای مطهری است.

لذا اینجانب که سالهاست با استاد و مفسر قرآن جناب حجت الاسلام و المسلمین قرائتی مأنوس و همراه هستم بر آن شدم که مجموعه خاطرات ایشان، درباره آن استاد عزیز و شهید را از آثارشان استخراج و تنظیم نموده و به مناسبت هفته معلم و بزرگداشت شهید علامه مطهری (ره) در اختیار فرهنگیان و معلمان و دانشجویان، و سایر خوانندگان محترمی که با اندیشه‌های ناب آن استاد فرزانه مأنوس هستند، قرار دهم.

امید است این اثر با لطف خداوند و توجهات حضرت ولی عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ مورد استفاده قرار گرفته و هم‌چنین عزیزان، ما را از نظرات خود بهره مند فرمایند.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمد موحدی نژاد

سوم محرم الحرام ۱۴۳۳ مطابق

۱۳۹۱/۸/۲۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درباره شخصیت علامه شهید مطهری (ره) اساتید او مثل امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) یا هم دوره هایش باید بگویند. من هم از سالها قبل از انقلاب، در قم و بعضی از سفرها و مهمانی‌ها خدمت ایشان بوده‌ام.

حال به مناسبت سی و چهارمین سالگرد آن شهید عزیز، برادر عزیزمان جناب آقای موحدی نژاد نکات و خاطراتی را از لابلای مطالب و مباحث اینجانب انتخاب نموده‌اند، به امید آنکه مورد استفاده‌ی خوانندگان به خصوص فرهنگیان، طلاب، اساتید، معلمان و دانشجویان عزیز قرار گیرد.

#### ۱ - توّسل به امام رضا علیه السلام

سال‌ها قبل از انقلاب که تازه برای جوانان کلاس شروع کرده و در کاشان جلسه داشتیم، به قصد زیارت امام رضا علیه السلام به مشهد رفتم. در حرم به حضرت علیه السلام عرض کردم: چه خوب است، چند روزی که در خدمت شما برای زیارت هستم، کلاسی هم در مشهد برای جوانان داشته باشم.

در همین حال یکی از روحانیون آشنا را دیدم، گفت: دبیران تعلیمات دینی، جلسه‌ای دارند، شما هم می‌خواهید شرکت کنید؟ با هم رفتیم، جلسه‌ای با حضور آیت الله خامنه‌ای، شهیدان مطهری، بهشتی و باهنر. اجازه دادند، من هم صحبت کردم، خیلی پسندیدند، حتی آنقدر شهید مطهری (ره) خندید که نزدیک بود صدلی‌اش بیافتد! و مرحوم شهید بهشتی (ره)

فرمود: من فکر می‌کردم که آیا می‌شود دین را همراه با مثل و خنده به مردم منتقل کرد که امروز به آرزوی خود رسیدم. در پایان جلسه، حضرت آیه الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) که در آن زمان امامت یکی از مساجد مهم مشهد (مسجد کرامت) را به عهده داشتند، مرا به منزل دعوت کرده و پس از پذیرائی، مرا به آن مسجد بردند، که جوان‌های زیادی حضور داشتند، به من فرمودند: تا در مشهد حضور دارید، برای مردم و جوانان، در این مسجد، کلاس داشته باشید. لذا به این شکل، دعای من مستجاب و به آرزوی خود رسیدم.

#### ۲- در دنیای تبلیغ

خدمت علامه شهید مطهری (ره) رسیدم، فرمود: شهرت پیدا کرده‌ای، اسم شما سر زبان‌ها افتاده؟  
گفتم: در دنیای تبلیغ چند کار کرده‌ام؛  
الف) به جای گریاندن، می‌خندانم. البته، گریه را قبول دارم، و در ایام سوگواری سعی می‌کنم روضه بخوانم، اما بدنه‌ی صحبت‌ها خنده است.

ب) به جای نشستن بر منبر، پای تخته سیاه می‌ایستم.  
ج) به جای اینکه مردم از من دعوت کنند، من راه می‌افتم در شهرها و مناطق، جوان‌ها را به کلاس، دعوت می‌کنم.  
د) مجانی کار می‌کنم. (البته اگر پول بدهند می‌گیرم)  
ه) تبلیغ من در طول سال است، نه فقط محرم، صفر و ماه رمضان.

و) به جای بزرگ‌ترها، سراغ جوان‌ها و نو جوان‌ها رفته‌ام. مثل پزشک اطفال، من آخوند اطفال شده‌ام. فرمود: چطور کلاس‌داری می‌کنی؟ گفتم: تخته سیاه می‌خواهم و آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) هم از من نحوه‌ی کار کردن با تخته سیاه را خواستند، ده، دوازده دقیقه صحبت کردم، فرمود: «ادامه بدهید، تا یک ساعت شد، بعد فرمود: خدا پدر و مادرت را رحمت کند.» این داستان را که برای پدرم نقل کردم، از خوشحالی خیلی گریه کرد.

به آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) گفتم: آقا من هوشم خوب است، می‌توانم فقیه شوم. فرمود: فقیه شوی رساله شما را بزرگسالان مطالعه می‌کنند، ولی این کلاس‌ها برای رشد نوجوان است، اگر در این راه موفق شوی، مثل هشام می‌شوی، که اصول دین را برای جوان‌ها می‌گفت.

وقتی جمله ایشان را به شهید مطهری(ره) گفتم، تعجب کرد و فرمود: معلوم می‌شود که ایشان یک مرجع تقلید روشن فکر هستند.

### ۳- راهنمای کار خیر

اگر کار خوب و خیری را به کسی یاد بدهیم، تا مادامی که او انجام می‌دهد اجرش برای ما هم هست. حدیث داریم: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ» معلمی که علم و دانش و تربیت را به افراد

منتقل می‌کند، تا زمانی که آن را عمل می‌کند، در ثوابش شریک است. پس معلم، کار خیر کلیدی می‌کند. لذا من مدیون شهید مطهری(ره) هستم. همه افرادی که از طریق تلویزیون از من حدیث شنیده‌اند، ایشان در ثواب همه آنها شریک است، چون ایشان خدمت امام خمینی(ره) واسطه شد تا من به این برنامه‌ی تلویزیونی درس‌هایی از قرآن، راه پیدا کردم. البته مقامات این عزیز، زیاد است، مثل مقام شهید، مقام معلم، مقام عالم، مقام عارف، مقام مفسر، مقام فیلسوف، مقام روضه‌خوانی، و در مجموع انسانی جامع بود.

### ۴- مقام معلمی

علامه شهید مطهری(ره) معلم بود، مقام معلم، وظیفه‌ی معلم، علم معلم، تدریس معلم، صفات معلم، و اینکه معلم امانت‌دار می‌باشد، قابل توجه است. دیگران مزرعه، کاخ و باغ دارند و معلم مغزها را در اختیار دارد، مغز نسل نو در اختیار معلم است.

خودم هم بارها شکر کرده‌ام، که من معلم هستم. آیه الله شهید بهشتی(ره) به من فرمود: در معلمی بسیار موفق هستی، می‌ترسم تو را ببرند و یک پستی مثل امام جمعه‌ای، قاضی، مدیرکل، وکیل، وزیری، دادستانی به تو بدهند، و از معلمی دست برداری، گفتم: قول می‌دهم رها نکنم.

آری مغزها، چشم‌ها، دل‌ها، برای سال‌ها، برای عصرها، برای نسل‌ها در دست معلم است. قرآن می‌فرماید:

اولین معلم خداست؛ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» دومین معلم رسول خدا ﷺ است؛ «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۲</sup> سومین معلم جبرئیل است؛ «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»<sup>۳</sup>

حدیث داریم: انسان در حقیقت، سه تا پدر دارد؛ «ابُّ وِلْدِكَ» پدری که وسیله تولد است و «ابُّ زَوْجِكَ» پدر خانم، که وسیله دامادی است و «ابُّ عِلْمِكَ» معلمی که درس می‌دهد.<sup>۴</sup>

### ۵- نقش معلم متفکر

شهید مطهری (ره) جزء اولین شهیدان انقلاب اسلامی ایران است. کارش چه بود؟ نسل جوان را با استدلال، فهم و فکر آشنا می‌کرد. مثل کارخانه برقی بود که به همه خانه‌ها برق می‌داد. دشمنان و منافقان گفتند: این کارخانه برق را باید زد، چون این، منبع انرژی است، باید متلاشی شود. گویند: زمانی در فرانسه کودتا شد و رئیس جمهورش را هم به زندان بردند، او در زندان مطالعه می‌کرد، یک مرتبه پاشد و کتاب‌ها را به هوا ریخت، و گفت: من اشتباه کردم، فکر کردم که در فرانسه کودتای نظامی شده، و حال آنکه کودتای فرهنگی شده است، مردم کتاب خواندند، آگاه و روشن شدند، مرا تحمل نکردند.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۷

۲- بقره، ۱۲۹

۳- نجم، ۵

۴- تحریرالمواعظ العددیه، ص ۶۳

روایت داریم: «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» مداد علما (که مردم را روشنگری و آگاه می‌کنند) از خون شهدا با فضیلت تر است. (چه بسا افراد با کتابها و نوشته‌ها و علم و دانش علما آگاهی پیدا کرده و آماده جانفشانی و شهادت در راه دین شده اند) مثل نامه‌هایی که امام خمینی (ره) نوشت و پیام‌هایی که داد و سخنرانی‌های روشنگرانه، مردم آماده چنین انقلاب بزرگ تاریخی و آماده شهادت و جانفشانی شدند.

### ۶- عشق به معلم

شهید مطهری (ره) می‌گوید: بزرگ‌مردی که مرا اولین بار با نهج‌البلاغه آشنا ساخت و درک محضر او را همواره یکی از ذخایر گران‌بهای خودم که حاضر نیستم با هیچ چیز معاوضه کنم می‌شمارم و شب و روزی نیست که خاطره‌اش در نظرم مجسم نگردد. یادی نکنم و نامی نبرم. او هم فقیه بود، هم حکیم بود، هم ادیب و هم طبیب. (درباره مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی)

و می‌فرمود: من دوست دارم در هوای شیراز تنفس کنم، چون ملاصدرا در این شهر نفس کشیده است.

### ۷- حضور در تلویزیون

در سال ۱۳۵۸، روزی که با پیشنهاد علامه شهید مطهری (ره) و موافقت امام خمینی (قدس سره) برای اجرای برنامه، به سازمان صدا و سیما وارد شدم، بیشتر کارکنان نمی‌دانستند قبله کدام طرف است. با بهانه گیری و وسواس زیاد مرا



آزمایش کردند و زمانی که در این جهت مرا موفق یافتند، پیشنهاد کردند که بدون لباس روحانیت برنامه اجرا کنم و علنی گفتند: ما به جز دو روحانی (حضرت امام و آیت الله طالقانی) به دیگران اجازه حضور در این تشکیلات را نمی‌دهیم. من هم با این پیشنهاد موافقت نکرده و اعلام داشتم: این برخورد شما را به اطلاع حضرت امام خواهم رساند. بعد از این اخطار، آنان قبول کردند که با لباس روحانی اجرای برنامه کنم.

به هر حال سالهاست که این برنامه از تلویزیونی پخش می‌شود و بر اساس نظر سنجی‌های صدا و سیما از برنامه های موفق بوده است، و این از باقیات الصالحات آن دو عزیز است.

حضرت امام خمینی(ره) به واسطه اجرای این برنامه، به اینجانب لطف و عنایت خاصی داشت. البته توفیقاتم را از خداوند و در سایه اشک پدرم در کنار کعبه و دعای مردم می‌دانم.

#### ۸- تشکر از خانواده

با اینکه رفت و آمد مهمان به منزل ما در قم زیاد بود، ولی خانواده حساسیت ویژه‌ای به حضور شهید مطهری(ره) داشت، علت را پرسیدم؟ گفت: چون تنها مهمانی است که موقع رفتن، نزدیک آشپزخانه آمده و از من تشکر می‌کند.

#### ۹- انتظار و تلاش

افتخار داشتم که در قم چند ماهی، میزبان شهید مطهری(ره) بودم. زمانی که می‌خواستند از قم به تهران برگردند من نیز همراه ایشان می‌آمدم تا در مسیر راه، از نظرات علمی ایشان استفاده کنم. یک روز ایشان فرمود: بعضی‌ها عقیده دارند که

امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند و ظلم و ستم را بر چیده و مشکلات را حل می‌فرماید، لذا نیازی به تلاش و کوشش و قیام ما نیست، و حال آنکه این حرف درستی نیست. آنها که به هنگام شب، در انتظار طلوع خورشید فردا هستند، در تاریکی نمی‌نشینند و حداقل چراغی روشن می‌کنند.

#### ۱۰- ارزش معلّمی

مرحوم شهید مطهری(ره) به من فرمود: من خیلی خوشحالم که تو در تدریس و معلّمی فردی موقّق هستی، مبادا مسؤولیت دیگری را قبول کرده و از فیض معلّمی محروم بشوی.

#### ۱۱- حلال‌ترین پول

علامه شهید مطهری(ره) ضمن اینکه مرید داشت، مخالف هم داشت. می‌گفتند: چرا برای نوشتن کتاب پول می‌گیرد؟ من از ایشان پرسیدم، فرمود: حلال‌ترین پول برای طلبه، حق التالیف است. چون نه از دولت است، نه خمس، و سهم امام است. از مخالفان این عزیز، فرد فاسدی بود که اعدام شد و دیگری هم جوان مرگ شد.

#### ۱۲- سوز معلّمی

علامه شهید مطهری(ره) سوز داشت. معلم باید سوز داشته باشد. خداوند در تعریف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حَرِیصٌ عَلَیْكُمْ» برای هدایت شما حرص می‌زد. سوز و شور داشت. می‌سوخت و صحبت می‌کرد. نگاه باز و وسیعی داشت.

### ۱۳ - دفاع از مرحوم راشد

حجه الاسلام و المسلمین راشد(ره) زمان طاغوت و قبل از انقلاب، سالها در رادیو سخنرانی می‌کرد. مرد دانشمند، پدرش هم از اوتاد و در تربت حیدریه بود. بعضی از انقلابی‌های تند، فکر می‌کردند ایشان یا طاغوتی و یا وابسته به دربار است، علامه شهید مطهری(ره) محکم از ایشان دفاع می‌کرد.

### ۱۴ - دیدار از علما و انقلابیون

قبل از انقلاب در اهواز، خدمت ایشان رسیدم، فرمود: می‌خواهم شوستر رفته و برای آیت الله ربانی املشی که حکومت طاغوت ایشان را به آنجا تبعید کرده و هوا بسیار داغ است، کولری بخرم و بعد به دیدن صاحب «قاموس الرجال»، که چهل کتاب خوب نوشته، مثل «الآخبار الدخیله» و «تهج الصواعق»، که بعضی از آنها هم کتاب سال شده، و یک دور هم تاریخ نوشته است، بروم. یعنی ایشان عشق به علم و تحقیق و انقلاب داشت. هم به دیدن مؤلف «قاموس الرجال» و هم آیت الله ربانی املشی(ره) که تبعید شده می‌رفت.

### ۱۵ - یک مثال

قبل از انقلاب، ایشان در اهواز سخنرانی داشت. من هم برای جوانها کلاس داشتم و بعد از کلاس با جوانها به جلسه سخنرانی ایشان می‌رفتیم. یک روز ایشان بحثی داشت که قرآن می‌فرماید: «خَالِدِينَ فِيهَا»<sup>۱</sup> عده‌ای در جهنم برای همیشه

۱- آل عمران، ۱۳۶

هستند. حال اگر کسی اشکال کند که اگر کسی ۵۰ سال هم گناه کند، چرا همیشه بسوزد؟ این «خلود و همیشگی بودن» با عدل خدا نمی‌سازد. ایشان فرمود: جزا، یا عینی است یا قراردادی. در جزای قراردادی می‌شود چانه زد که کم کرده یا آن را بخشید، مثلاً اگر کسی از چراغ قرمز عبور کرد، فلان مبلغ جریمه شود، ولی در جزای عینی نمی‌شود چانه زد، مثل اینکه اگر خمیر شور به نانوا بدهیم او هم نان شور تحویل ما می‌دهد.

احساس کردم بعضی از مخاطبین این بحث را خوب متوجه نشدند، از ایشان اجازه گرفتم تا برای مردم توضیحی بدهم، گفتم: برای بحث استاد مثالی می‌زنم، اگر یک لحظه چاقو به چشم بزنیم، برای همیشه کور می‌شویم، پس نمی‌شود گفت: جرم یک لحظه انجام شد ولی چرا برای همیشه به کوری گرفتار شدیم. ایشان خندید و بیان مرا تایید فرمود. در جلسه ای دیگر هم، به یک بحث علمی مشکل که رسید، با لطف و محبت فرمود: آقای قرائتی الآن با بیان ساده و روان بحث را توضیح می‌دهد. یعنی گاهی بیان من برای مخاطبین ایشان، مثل آب جوش بود که هضم و جذب آن برای معده راحت است.

### ۱۶ - سفارش به یک دعا

زمانی خدمت ایشان رسیدم، فرمود: آقای قرائتی، این دعا گرچه برای ماه رجب است، ولی شما آن را هر روز بخوانید. به خداوند در این دعا می‌گوئیم؛ «حَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ

خَسِيرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ»<sup>۱</sup> یعنی باختند آنهایی که با غیر تو وارد معامله شدند و خسارت کردند آنهایی که سراغ غیر تو رفتند. این یک حقیقتی است که قرآن هم دائم می‌فرماید: به غیر خدا تکیه نکنید. قدرت‌های غیر خدایی مثل تار عنکبوت است. غیر خدا نمی‌توانند حتی یک مگس خلق کنند. پس به خدا دل ببندید و از غیر او دل بکنید.

ایشان می‌فرمود: با افراد زیادی دوستی کردم، ولی آنها به من نارو زدند، تا اینکه حدیثی را از آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شنیدم که: «اتق شر من احسنت الیه» بترس از شر کسی که به او احسان کردی. افرادی هستند که اگر غسل هم در دهانشان بگذاری، دست شما را گاز می‌گیرند.

### ۱۷- فرق تاریخ و فلسفه آن

ایشان پنجشنبه‌ها جهت تدریس به قم و حسینیه ارک تشریف می‌آوردند و طلبه‌های فاضلی به درس ایشان می‌آمدند. یک روز و در یک جلسه بحثشان این بود که تاریخ و فلسفه‌ی تاریخ و فرق بین آنها چیست؟ فرمود: تاریخ حوادث گذشته است و فلسفه‌ی آن درسی است که برای زندگی امروز خود می‌گیریم. من هم در آن جلسه برای توضیح این مطلب، مثالی از قرآن زدم که: آنچه قبل از «كذلك» در قرآن آمده تاریخ و آنچه بعد از آن آمده فلسفه‌ی تاریخ است مثل قصه‌ی حضرت یوسف علیه السلام که بعد از تعریف ماجرا می‌فرماید:

«وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup> یعنی فکر نکن که این برخورد خدا، فقط با حضرت یوسف علیه السلام بوده است، بلکه هر که مثل او باشد همان سرنوشت را دارد و خداوند پاداش نیکوکاران را در طول تاریخ می‌دهد. او دامن خود را حفظ و به عشق حرام و غیر مشروع زلیخا جواب نداد، تهمت‌ها، زندان، و چاه را تحمل کرد تا به این مقام رسید، پس در طول تاریخ، اگر کسی این گرفتاری‌ها را تحمل کرد، خداوند جبران می‌کند «وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ». ایشان تأملی کرده و فرمود: درست است.

### ۱۸- یک نصیحت از دو استاد

ایشان می‌فرمود: استادم به من نصیحتی کرده، من هم آن نصیحت را به شما می‌کنم؛ بعضی کارها را اگر اخلاص داشتی انجام بده، وگرنه انجام نده، مثل عبادات مستحب، و بعضی کارها را اگر اخلاص هم داری احتیاطاً انجام نده، و در قبول آن عجله نکن، مگر ضرورت داشته باشد، مثل قضاوت. بعضی کارها را اخلاص هم نداری انجام بده، مثل تبلیغ، چون ممکن است سخت در دیگران اثر بگذارد، وقتی ثواب نماز شب را بیان کردی، بعضی نماز شب بخوانند.

### ۱۹- نشانه‌ی تواضع

ایشان درباره‌ی زهد بحثی داشت، برای تعریف آن به دنبال واژه، عبارت و جمله‌ی ای رسا و گویا بود که یکی از حاضران که فرهنگی بود، گفت: زهد این است. کم بخور، خیلی کار کن.

ایشان از این تعبیر خوشش آمد، در کتابش ذکر کرده و در پاورقی آن هم نوشت، این تعبیر از آقای پرورش است. با اینکه علامه بود ولی این کار نشانه‌ی تواضع ایشان است. گاهی هم بعد از سخنرانی می‌پرسید: آقای قرائتی، امروز نمره‌ی منبرم چند بود؟ با اینکه من در آن زمان در مقابل ایشان طلبه‌ی معمولی بودم.

مورد دیگر از تواضع ایشان آن بود که به من می‌گفت: من دارم یک خانه ای می‌سازم. شما برو ببین که این خانه اشرافی نباشد.

#### ۲۰- غیرت دینی

ایشان در برابر انحرافات فکری، خیلی حساس بود و غیرت دینی داشت. در تاریخ می‌خوانیم: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی به خاطر انحراف‌ها و ضعف‌هایی که می‌دید به خودش سیلی می‌زد، «فضرِب بیده علی خده»<sup>۱</sup>

#### ۲۱- حمایت روحی و مالی

از خدمات علامه شهید مطهری(ره) کمک به خانواده‌ی زندانی‌ها و تبعیدی‌ها در زمان طاغوت بود، از زن و بچه‌ی آنها حمایت روحی و مالی می‌کرد.

#### ۲۲- کمالی دیگر

یک زمانی خدمت ایشان رسیدم، فرمود: من نوارهای زیادی از تفسیردارم، شما آنها را به قلم بیاورید، گفتم: من برای آماده

کردن تفسیر نمونه در خدمت آیت الله مکارم (دامت برکاته) هستم، جمع دو مورد را نمی‌توانم، مگر اینکه آن مورد را استعفا بدهم، فرمود: نه. این نوع از برخورد خودش یک کمال است.

#### ۲۳- اهم و مهم

جلسه‌ای برای جوان‌ها کلاس اصول عقاید داشتم، بعضی از فضایی انقلابی به من می‌گفتند: انقلابی حرف بزن. از علامه شهید مطهری(ره) پرسیدم که بعضی به من این چنین می‌گویند، فرمود: فلانی دو تا سخنرانی داغ و انقلابی کرد، ممنوع المنبر شد، شما برای هدایت نسل جوان کلاس‌هایت را پا بر جا نگهدار.

باید در تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، اهم و مهم ملاحظه شود، مثل فردی که آمادگی دفاع رزمی ندارد حق ندارد به خط اول جبهه برود. مثل پیرمردی که نشسته و شمشیر می‌سازد، که اگر بخواهد خودش شمشیر بزند نمی‌تواند و برعکس ممکن است افرادی شمشیر زن خوبی باشند، اما شمشیر ساز نباشند. انسان باید ببیند چه استعدادی دارد.

#### ۲۴- لسان قوم

مبّغ باید به زبان مردم سخن بگوید. شهید مطهری(ره) می‌فرمود: یک خارجی به ایران آمده بود، در بازگشت از او پرسیدند، از ایران چه خبر؟ گفت: مردم ایران وقتی به هم می‌رسند می‌گویند: آیا بینی شما کُلفت است؟

البته ما می‌گوییم: دماغ شما چاق است؟ (یعنی با نشاط و سرحال هستی؟) نه دماغ به معنای بینی، و نه چاقی به معنای

کلفتی است. دماغ در اینجا، به معنای مغز، و چاق به معنای آمادگی و سلامت است. مثل اینکه می‌گوئیم: فلانی کارچاق کن است، یعنی آن را آماده می‌کند.

### ۲۵- آرزوی برپائی نماز جمعه

پس از شهادت علامه شهید مطهری(ره) از جیب لباسش یادداشتی بیرون آوردند که در آن برای یادآوری خود نوشته بود: هنگامی که خدمت امام خمینی رسیدم، مسئله اقامه نماز جمعه را مطرح کنم، تا این مراسم عبادی، سیاسی و اجتماعی، هرچه زودتر آغاز شود.

آری اقامه نماز جمعه از آرزوهای آن مرد بزرگ بوده، که یقیناً در ثواب نمازهای جمعه شریک است.

### ۲۶- آرزوی شهادت

یکی از شاگردان شهید مطهری(ره) تعریف می‌کرد که: حدود بیست سال قبل از انقلاب، آن شهید، نهج‌البلاغه تدریس می‌کرد، روزی رسید به خطبه ۲۷ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «أما بعد فإنَّ الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اوليائه» جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند به روی دوستان برگزیده خود گشوده است. استاد وقتی به این جمله رسید، فرمود: یک دعا می‌کنم شما آمین بگوئید، خدایا! به من توفیق بده تا در راه تو به شهادت برسم.

### ۲۷- رفتار استاد

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: شبی مهمان یکی از اساتیدم بودم، شب که به نیمه رسید برای نماز شب برخاست. در نماز، سوره فجر را خواند، همین که به این آیه رسید که:

«و جیء یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان و ائی له الذکری» در قیامت زمانی که انسان را به طرف جهنم می‌برند، متوجه، متذکر و بیدار می‌شود، اما دیگر فایده ندارد. در این حال بود که دیدم، استادم مثل بید می‌لرزد و شانه‌هایش تکان می‌خورد و گریه می‌کند.

### ۲۸- روحانیت و مقابله با عقائد انحرافی

با حضور افکاری مثل افکار انحرافی کسروی و حزب توده در جامعه، وظیفه‌ی عالمان دینی بیشتر می‌شد. سخنگویان مذهبی که همان واعظان و مبلغان دینی بودند، برای مقابله با چنین افکار، و از طرفی، نشر عقاید اسلامی از رسانه‌ای مثل رادیو، نیز غافل نماندند. ارتباط با اقشار مختلف مردم، مهم‌ترین اصلی بود که بایستی رعایت می‌شد، بدین ترتیب عالمان وارسته‌ای چون مرحوم حجه الاسلام والمسلمین شیخ حسینعلی راشد، و آیه الله سیدمحمود طالقانی و مرحوم حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمدتقی فلسفی و استاد، علامه شهید مرتضی مطهری(ره) از این ابزار بهره بردند تا در کنار هجوم افکار گوناگون ندایی و صدایی برای اسلام باشند.

### ۲۹- انتخاب روش تبلیغ

شهید مطهری(ره) در کتاب یادداشت‌های خود (جلد دوم) می‌نویسد: «ما در حوزه تبلیغ دین در مورد محتوا زیاد کار کرده‌ایم، اما در مورد روش تبلیغ بسیار اندک کار کرده‌ایم و دستمان خالی است. برعکس مسیحیت تمام سرمایه خود را برای روش گذاشته است. لذا ما در حوزه تبلیغ دین به شدت محتاج تدوین روشهای متنوع برای مخاطبان متفاوت هستیم.

### ۳۰- راه انحراف مذهب از دیدگاه مارکس

به علامه شهید مطهری (ره) عرض کردم: مارکس، در فلان جزوه، چنین حرفی زده است، فرمود: جزوه‌اش را برای من بیاور. مارکس گفته: اگر بخواهید مردم کشورهای اسلامی به طرف مارکسیسم گرایش پیدا کنند، با صراحت با دین و ایمان آنها مخالفت نکنید، مثلاً: نگوئید: جهنم نیست، بلکه بگویند: منظور از جهنم، نظام سرمایه داری است.

اگر منطقه‌ای، مذهبی بودند، خواستید آنها را منحرف کنید، لغتها و واژه‌های مذهبی را مثل: تقوی، صبر، تقیه، آخرت، دنیا، قناعت، زهد و... را تحریف کنید. نگو نیست، بگو غرضش این است. بر این اساس آیات قرآن را به شکل دیگری معنا می‌کردند،

مثلاً قرآن می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup>

«ما اراده کردیم که منت بگذاریم بر کسانی که مستضعف قرار گرفته‌اند در زمین، تا آنها را امام (رهبر) و وارث زمین قرار بدهیم.»

آنها می‌گفتند: قرآن گفته مستضعفین باید در زمین، امام و رهبری را به دست بگیرند، ما هم می‌گوئیم: نظام سوسیالیستی، یعنی حکومت کارگری، پس آنها باید رهبری را بدست بگیرند. ما هم در جواب می‌گوئیم: خداوند فرموده:

مستضعفینی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، می‌توانند این رهبری را به دست بگیرند. ما باید آیات قرآن را با هم و در کنار هم ترجمه و تفسیر کنیم. چه بسا که فردی یا افرادی کارگر بوده ولی مستکبر، بت پرست و بی ایمان باشند، که هیچ خبری هم از حق ندارند.

### ۳۱- ظلم به مکتب

علامه مطهری (ره) شهید شد، چون در مقابل ظلم به مکتب جبهه گرفته بود، و خیلی هم در این باره حساسیت داشت. قرآن می‌فرماید: «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، عده‌ای نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.» و در آیه دیگر هم می‌فرماید: «لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ» بعضی یک جور حرف می‌زنند که شما خیال می‌کنید از کتاب (قرآن) است، درحالی‌که این جزء کتاب نیست. چنان حق و باطل را بهم می‌بافد که خیال می‌کنی ایدئولوژی اسلامی است، و حال آنکه این چنین نیست. و عاقبت از گروه نفاق و فرقان سر در می‌آورد. اسلام را باید اسلام شناس تفسیر کند.

### ۳۲- تضاد فرهنگ شرق و غرب

علامه شهید مطهری (ره) می‌فرماید: شرق و غرب، در فکر متضاد هستند، ولی در عمل، مثل دو لبه قیچی عمل می‌کنند،

که هدفشان بریدن یک چیز است، ظاهراً دو شاخه متضادند، ولی در یک هدف شریک هستند.

مثل: بازی فوتبال، که حرکات و کارهای بازیکنان به ظاهر با هم متفاوت است، ولی همه یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن، گل زدن است. قدرت شرق و غرب، به ظاهر در مقابل همدیگر است، ولی هدف مشترک آنها نابود کردن اسلام و مسلمین است.

### ۳۳- اهمیت بحث اخلاق

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: شاید زن و شوهری تحصیلات عالی‌ه داشته باشند، اما معلوم نیست بتوانند با خوبی و خوشی و سعادت‌مندانه زندگی کنند، مسئله اخلاق و معنویت بسیار مهم است. اگر مسئله اخلاق، معنویت و تعهد کم رنگ شود، مصیبت به بار می‌آورد. کما اینکه الآن دنیای غرب دچار همین مشکل است. امتیاز اسلام و ایران، در همین مسائل اخلاقی و معنوی است. دنیای غرب الآن از نظر علم و صنعت خیلی خوب پیشرفته است ولی بخاطر نداشتن اخلاق و معنویت، کار بجایی می‌رسد که اندیشمندی خودشان در مقاله می‌نویسد: طلاق گرفتن در آمریکا، از پیاده شدن از تاکسی آسانتر است.

### ۳۴- عالم خوب

روایت داریم: عالم خوب، کسی است که: «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تُلِمَ فِي الْأَسْلَامِ تُلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> با مرگ او در اسلام

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۳

و مسلمین شکاف و کمبودی ایجاد شود که دیگری نتواند جای او را پُرکند. جای آن‌ها خالی است، امروز، جای مطهری(ره) و بهشتی(ره) خالی است.

### ۳۵- خطر برداشتهای انحرافی

فردی که متأسفانه لباس روحانیت هم بر تن داشت، در جلسه‌ای که تعدادی از دوستان روحانی هم بودند، برداشتهای جدیدی از قرآن و تفسیرهای به ظاهر، خیلی شیرین، تند و تیز و مورد پسند امروزی‌ها را مطرح کرد، (امیرالمؤمنین علیه السلام) هم فرموده: اگر قرآن را با انحراف تفسیر کنند، شیرین از کار در می‌آید. گفتم: سند این حرفها کجاست؟ گفت: این برداشتهای جدید و استنباطات شخصی من است. گفتم: اولاً: شما سواد کافی برای این کار نداری، و ثانیاً: ما حق نداریم بدون احادیث و کلمات نورانی اهل بیت علیهم السلام که مفسران واقعی و حقیقی آیات الهی هستند، تفسیر و برداشت کنیم، در آن ایام، علامه شهید مطهری(ره) شب جمعه و جمعه‌ها برای تدریس، به قم می‌آمد، گفتم: حرف‌های شما را باید با آقای مطهری مطرح و چک کنیم، گفت: اگر چنین کاری را بکنید، خائن هستید. عجب است از اسلام نابی که قرار است طلبه بفهمد ولی استادش نفهمد، چه اسلامی است؟!.

### ۳۶- علامه و فیلسوفِ روضه خوان

یکی از امتیازات شهید مطهری(ره) این بود که هم روضه می‌خواند و اشک می‌ریخت، هم فیلسوف بود، هم عارف بود، هم شهید شد، معمولاً افراد، یک بُعدی هستند مثل پزشک

قلب، کاری به چشم ندارد و متخصص چشم هم کاری به قلب ندارد. یکی هم فقط روضه خوان است، و یکی هم در امور حج، متخصص است، اما این مسئله همه جانبه و جامع بودن بعضی مثل این شهید عزیز، خیلی مهم است.

### ۳۷- کتاب برای کودکان

فیلسوف، مفسر و فقیه، علامه طباطبائی(ره) برای کودکان هم کتاب نوشته است و شاگردش علامه مطهری(ره) نیز کتاب داستان راستان نوشته است. یکی از دانشمندان مصری به نام، عبدالفتاح عبدالمقصود، که حدود ۳۰ جلد کتاب مهم نوشته است، در سن پیری گفت: حالا می‌خواهم برای بچه‌ها کتاب بنویسم، حالا فهمیدم که اثر بچه‌ها از بزرگ‌ها کمتر نیست و نیازشان بیشتر است.

رسول اکرم ﷺ یک نفر را برای تبلیغ به منطقه‌ای فرستاد. رفت و بازگشت، عرض کرد: یا رسول الله به حرفم گوش نمی‌دهند. حضرت ﷺ فرمود: برو بچه‌ها را جمع کن، «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ» (کافی/ج ۸/ص ۹۳) برای آنها حرف بزن، چون؛ «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ» قلب آنها مثل زمین خالی و آماده برای کشت است. کوچکترها حرف را بهتر می‌گیرند و آمادگی آنها بیشتر است.

### ۳۸- سیره پیامبر اسلام ﷺ

در تاریخ آمده که: در زمان کندن خندق، (در یکی از جنگها برای مقابله با هجمه‌ی دشمن) اولین کلنگ را رسول الله ﷺ به زمین می‌زند و هم دوش دیگران کمک می‌فرماید، حتی به هنگام آماده کردن غذا، کارها تقسیم می‌شود، رسول الله ﷺ هم هیزم جمع می‌کند یک روز به شهید مطهری(ره) مطلبی را عنوان کردم که ایشان خندید، گفتم: شما که استاد ما هستی، و استاد شما که علامه طباطبائی است، چند بار در سال، از نوع زندگی کردن خود و سختیهایی که در زندگی، متحمل شده اید برای شاگردان و طلبه‌ها تعریف کنید تا برای ما هم راهگشا و مایه عبرت باشد. زندگی استاد دانشگاه برای دانشجو و معلم برای شاگردان مؤثر است. اگر فرمانده گرچه یک وعده، با سربازها غذا بخورد، دل سرباز گرم می‌شود. پیامبر اعظم اسلام ﷺ از مردم، در مردم و با مردم بود.

### ۳۹- اثر یاد و راه خدا

به گفته شهید مطهری(ره): مرحوم علامه فیض کاشانی(ره) که کتابهای علمی زیادی نوشته است، وصیت کرده که روی قبرش سقف نباشد تا بر آن، باران بیارد. او تمام نیرویش را صرف علم و دانش کرد. اما نیروی ما بیشتر صرف تجملات می‌شود. برای بعد از مردن هم مقبره می‌خریم، گاهی هم مقبره‌ی خانوادگی چند صد میلیونی آماده می‌کنیم. در حالی



که زنده‌ها خانه ندارند، ما برای استخوان‌های پدربزرگ و گذشتگان مقبره می‌سازیم. این کارها غلط است.

#### ۴۰- نعمت هدایت

نعمت هدایت بسیار قابل توجه و مهم است. خدا را شکر، که ما را هدایت کرد و خود را به ما شناساند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا»<sup>۱</sup> ما چه بودیم؟ طرز تفکر ما چه بود؟ در زمان طاغوت آرزوها، محفوظات، مقدار مصرف، نماز جمعه و جماعات، چه بود؟ در نماز جماعت‌ها، چند نفر بودند؟ نمازخوان‌ها چند نفر بودند؟ بیشتر از چه گروهی بودند؟ در زمان طاغوت کتابهای علامه شهید مطهری (ره) چقدر چاپ می‌شد و چه کسانی آن را می‌خواندند؟ مرکز فساد چقدر بود؟ نعمت هدایت، انقلاب ما، جوانان ما و نسل ما را از انحراف نجات داده و هدایت کرد. پس: «وَ اذْكُرُوهُ» یاد خدا باشیم. برای این که خدا ما را هدایت کرد. «وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ» اگر چه قبل از این گمراه بودیم.

شخصی در زمان طاغوت، کاباره و سینما داشت، با او صحبت و نصیحت کردم، وسط صحبت کردن، محکم سر خود را به دیوار زده و گریه کرد، گفت: یادم می‌افتد که در زمان طاغوت، چقدر جوان را آلوده، و به ساواک هم کمک کرده ام. متنبه و از کرده‌های خود پشیمان شد و سالن سینما و کاباره را تبدیل به مهدیه و مرکز تبلیغات اسلامی و نشر کتاب و فیلم‌های

سالم کرد. این معنای ذکر و آیه: «يُخَيِّبِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»، زمین بعد از مردن، زنده می‌شود. دل‌ها هم همینطور است.

#### ۴۱- پاسخ دندان شکن به مارکسیست‌ها

علامه شهید مطهری (ره) از آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»<sup>۱</sup> «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است.» استفاده ظریف و دندان‌شکنی در مقابل ادعای اشتباه مارکسیست‌ها دارد. آنها می‌گویند: هر که را خواستی ببینی چگونه فکر می‌کند، ببین اقتصادش از کجا تأمین می‌شود، پس بنا بر این، کاخ نشین نمی‌تواند مثل کوخ نشین فکر کند و کوخی نمی‌تواند کاخی فکر کند. ایشان می‌فرمایند: خیر، اینگونه نیست، زن فرعون کاخ نشین بود ولی کاخ و طلا و وعده‌های فرعون، او را جذب نکرده بلکه علیه او و به نفع موسی عليه السلام و محرومان بود. این افراد در طول تاریخ کم نیستند.

#### ۴۲- جایگاه ادب و اخلاق

باید بین فرهنگ و سیره رسول الله صلى الله عليه وآله و فرهنگ خود، مقایسه کنیم، در جمهوری اسلامی، ما باید به فرهنگ انبیاء، برسیم و راه آنها را طی کنیم. مثلاً: در حال حاضر، دبستانی‌ها ادبشان نسبت به معلم بیش‌تر است، یا دبیرستانی‌ها؟ متاسفانه هر چه باسوادتر می‌شویم ادب کم رنگ‌تر می‌شود. علی بن ابی طالب عليه السلام که از همه اصحاب با فضیلت‌تر بود، ادبش نسبت به

رسول الله ﷺ و سلمان فارسی و ابی ذر ادبشان از بقیه نسبت به آن حضرت بیش تر بود.

سیستم فرهنگ غربی چنین است که هرچه با سوادتر می شوند، ادب نسبت به استاد کمتر می شود. اما فرهنگ اسلام اینطور نیست، شهید مطهری (ره) زمانی که نام استادش علامه طباطبایی (ره) را می برد، می گفت: استاد عزیزم روحی له الفداء، یعنی جانم به قربانش، این چه عاملی است که هر چه با سوادتر می شود ادبش بیش تر می شود؟ چون علمش به او تکبر نداده است. ما اگر در مجلسی دو تا بچه کنار ما بنشینند، رنج می بریم! چون تحصیل کرده ایم، اینجا سواد، تکبر داده است.

یکی از شخصیت‌های مهم، به پاسداریش که بچه دار شده بود گفته بود: چشم شما روشن! خانم شما شیر دارد به بچه بدهد، یا از شیر خشک استفاده می کنید؟ اگر کمکی از دست ما بر می آید انجام بدهیم. این پاسدار می گفت: جانم قربان این آقا. اگر این شخصیت بیست سخنرانی کرده و یا کتاب بنویسد این چنین در دل اثر نمی کند. اینها محبت می آورد.

### ۴۳- جامعه پاک و آلوده

جامعه و دل پاک، چگونه نجس می شود؟ سخن چینی، غیبت و سوء ظن، دل‌های پاک اجتماع را آلوده می کند، شایعه سازی هم همین اثر را دارد، مردم در اول انقلاب، شهید مطهری (ره) شهید مظلوم، آیه الله بهشتی (ره) را زیاد دوست داشتند، ولی آنقدر منافقین و بنی صدرها شایعه سازی کردند تا دل پاک مردم را آلوده کردند. ولی شهادت آن عزیز دل‌ها را شست،

قرآن می فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا»<sup>۱</sup> تجسس نکنید. بسیاری افراد می گویند که اول خوش بین است، در کارها دقت و تجسس می کند، نقطه ضعفی پیدا می شود، آن صفا و محبت کم می شود.

راه آلوده شدن جامعه این است که الگوهای خوب عوضی جلوه داده شوند، و از طرفی هنرپیشگی و دل‌تک بازی در جامعه تشویق شود، ولی اگر امثال شهید مطهری‌ها در جامعه الگو شوند، زندگی مردم و نسل جوان هم عوض می شود. اگر مدل خوب باشد جامعه خوب می شود. اگر مدل بد باشد، جامعه بد می شود. جامعه و دل آلوده را باید تطهیر کرد. همانطور که چشم گنهکار با اشک توبه پاک می شود. امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می خواهد که:

«وَمَا أَجْرِي عَلَي لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَمِّ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ» خدایا! جاری نشود بر زبانم کلام زشت یا قهر کردن (با مؤمن) یا آبروبردن، یا شهادت باطل یا غیبت کردن و دشنام دادن.

### ۴۴- نان خوردن با کتاب

ماکتب‌هایی داریم که مثل آبکش است، یعنی داخل آب، پُر است، بالا که می آوری چیزی نمی ماند. بعضی از کتابها، هزار صفحه‌ای است، همه کتاب را می خوانی، مطلب زیادی به دست

نمی آید، همه‌اش قلم فرسایی و بازی با عبارت است. یکی می‌گفت: بعضی‌ها اسهال قلم و بیوست فکر می‌گیرند. علامه شهید مطهری(ره) نکته زیبایی می‌فرمود: بعضی‌ها نان می‌خورند و کتاب می‌نویسند، اما بعضی کتاب می‌نویسند که نان بخورند. حالا بعضی‌ها نه کتاب می‌نویسند و نه کتاب می‌خوانند، فقط از بازار آشفته آن استفاده می‌کنند.

#### ۴۵- فوز عظیم

یک گلوله به مغز شهید مطهری(ره) و یک گلوله به هویدا (نخست وزیر رژیم طاغوتی) می‌خورد، هر دو با گلوله از دنیا می‌روند، اما یکی به فوز و رستگاری و یکی به شقاوت می‌رسد. هویدا در راه رضای شاه، شاه در راه رضای کارتر، کارتر در راه ریاست و خودکامگی، این یک خط است، می‌شود: «فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» و شهید مطهری و امثال ایشان هم در راه رضای خدا، «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» می‌شود.

#### ۴۶- نعمت اتحاد و وحدت

یکی از نعمتهای مهم، اتحاد است. قرآن می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»<sup>۱</sup> نعمتهایی که خدا به شما داده است، به یاد بیاورید. «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً» با هم دشمنی داشتید. دانشگاه و فیضیه، مردم و ارتش، شهری و روستایی از هم جدا بود. «فَأَلَّفَ

بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»<sup>۱</sup> سپس (به لطف و اراده خداوند) ، دل‌هایتان با هم مهربان شد. این نعمت است. الان در مدرسه فیضیه از نیروهای مسلح هستند و در پادگان هم «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی(ره) هست، خون شهیدان، اثر گذاشته و کتابهای علامه شهید مطهری(ره) به پادگانها راه یافت. دلها و فکرها با هم شد.

#### ۴۷- خواب دیدن

ما سه رقم سوءظن داریم؛ الف): سوءظن به خدا. ب): سوءظن به مردم، ج): سوءظن به خود. سوءظن به خدا بداست، قرآن می‌فرماید: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ»<sup>۲</sup> بعضی، به خدا بدگمان هستند. مثلا: می‌گوییم: چرا ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گوید: چگونه زندگی ام را تامین کنم؟ فکر می‌کند که اگر یک نفر باشد خدا می‌تواند روزی او را بدهد، اما اگر ازدواج کند، خدا نمی‌تواند، روزی آنها را بدهد. این افراد به خداوند سوءظن دارند. بعضی هم به مردم سوءظن دارند، این هم ممنوع بوده و گناه است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»<sup>۳</sup> بعضی از گمانها گناه است.

اما سوءظن به خود، خوب است. فکر نکند که آدم خوبی است و تمام کارهایش صحیح است. علامه شهید مطهری(ره) می

۱- آل عمران، ۱۰۳

۲- فتح، ۶

۳- حجرات، ۱۲

فرمود: هر که می‌خواهد ببیند که چگونه آدمی است و چه شخصیتی دارد، ببیند در خواب چه می‌بیند؟ افرادی فکر می‌کنند خوب هستند، ولی در خواب، کارهای بسیار بدی انجام می‌دهند. معلوم می‌شود که در بیداری، در رودر بایستی است. امکان دارد در خواب ببیند که چند نفر مرد خدا را می‌کشد، ولی در بیداری حاضر نباشد پایش را روی یک مورچه هم بگذارد. لذا می‌فرماید: «فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ» مردان خدا خودشان را متهم می‌کنند، و: «وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ» از اعمالشان می‌ترسند.

پس به خود، اطمینان نداشته باشیم، گاهی پرده‌ها کنار می‌رود و انسان می‌فهمد که آدم خوبی نیست. البته در سوءظن به خود، باید جلوی تحقیر را گرفت، نباید خود را تحقیر کرد، من قابل نیستم، من کجا، او کجا! بلکه قابل هستی و ارزش هم داری، چون خلیفه‌ی خدا هستی و زمینه همه نوع رشد و تکامل هم در تو هست. پس سوءظن به خود، به معنای تحقیر شخصیت خود نیست. در حدیث داریم که: خداوند اجازه نداده که خود را تحقیر و خوار کنیم. خود کم بینی و کوبیدن شخصیت خود، ممنوع است.

#### ۴۸- تقوا و محدودیت

علامه شهید مطهری(ره) درباره‌ی تقوا، می‌فرماید: بعضی خیال می‌کنند تقوا قید و محدودیت است، برای اینکه گفته می‌شود: این کارها را نکن. آدم با تقوا دائم نهدی می‌شود، پس

او خودش را محدود و اسیر می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةٌ مَعَادٍ وَ عِثْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ»<sup>۱</sup>

به درستیکه تقوی کلید استحکام (ایمان انسان) و ذخیره‌ای برای قیامت آزادی از هر بندگی (غیر خدا) است.

تقوا قید نیست، آزادی است، هر قیدی محدودیت نیست. مثل اینکه انسان برای خود، خانه می‌سازد، خانه چهار دیواری است، ولی این چهار دیواری، آزادی است. در تقوا هم اگر بنده‌ی خدا بودیم، به یکی بله قربان گو هستیم، ولی اگر خدا و تقوا را رها کردیم، دیگران از ما کارهای مختلف می‌خواهند. خدا یکی است و زود هم راضی می‌شود، ولی مردم زیاد هستند و زود راضی نمی‌شوند.

حضرت یوسف علیه السلام به همراهان زندانی خود فرمود: «أَرْبَابٌ مُتَّفِرِّقُونَ خَيْرًا مِنَ اللَّهِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»<sup>۲</sup> آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!

#### ۴۹- ایمان امام خمینی(ره)

علامه شهید مطهری(ره) فرمودند: امام خمینی(ره) به سه چیز ایمان داشت؛

الف): ایمان به خدا. ب): ایمان به مردم. ج): ایمان به هدف. به خدا، یعنی یقین دارد که خدا به او کمک می‌کند. بعضی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰

۲- یوسف، ۳۹

خدمت امام در پاریس رفتند، که آقا اگر شاه نرود؟ فرمود: شاه باید برود نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر. اگر کسی برای خدا اقدام کرد همه‌ی کارها درست می‌شود، به شکلی که تمام سیاست مداران بین‌المللی طراحی می‌کنند، از آن طرف، چهار بسیجی طراحی آنها را خنثی می‌کنند. به مردم مسلمان هم ایمان دارد. مردمی که هر وقت ببینند اسلام در خطر است، از پا نمی‌شینند. بنی‌صدری که یازده میلیون رأی آورده است، و احساسِ غرور می‌کند، مردم او را به راحتی کنار می‌گذارند. حتی امام به جوان‌هایی که خیلی‌ها آن‌ها را قبول نداشتند، ایمان داشت. به هدف هم ایمان داشت. در هدف شک نداشت، معتقد بود که راهش درست است.

چون فرق است بین کسی که اسلام را عمیق می‌شناسد یا سطحی، اگر ایمان سطحی شد، مثل شبنم است، خیال می‌کنند اسلام را می‌شناسند، لذا مثل مطهری‌ها را تحمل نمی‌کند.

### ۵۰- خورشید مغرب

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: اینکه حدیث داریم: یکی از علائم آخرالزمان آن است که: خورشید از مغرب طلوع می‌کند، شاید معنایش این باشد که امام خمینی(ره) از غرب به ایران آمد. و جالب این است که در پاریس، خبرنگاران خارجی بازو و کمک ایشان شده و صدا و پیام ایشان را به رسانه‌های دنیا مخابره می‌کردند. در این رابطه به یاد این آیه می‌افتیم، که قرآن می‌فرماید: برای کمک به حضرت سلیمان علیه‌السلام شیاطین

دست به کار شدند؛ «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ»<sup>۱</sup> آن‌ها که مسلمان نبودند در پاریس، بلندگوی امام خمینی شدند. کویت راهش نداد، اما پاریس ایشان را پذیرفت. و به یاد این آیه می‌افتیم که: منجمین به فرعون گفتند: امسال بچه‌ای به دنیا می‌آید که کاخ را زیر و رو می‌کند. دستور داد همه‌ی بچه‌ها را در آن سال، بکشند. موسی علیه‌السلام که بدنیا آمد، مادرش دلهره پیدا کرد، قرآن می‌فرماید: «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِتُصَنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي»<sup>۲</sup> محبتی از او در دلها قرار دادیم، که هر که به او نگاه می‌کرد دوستش داشت، زن قابله (و ماما) احساس کرد که این نوزاد را دوست دارد، لذا خبر تولد او را به ماموران نداد، بعد خداوند، به مادرش الهام فرمود: صندوقچه‌ای درست کن و بچه را در آن بگذار و در رود بیانداز، خواهرش هم به دنبال صندوق، که کار او به کجا می‌انجامد، فرعون با خشمش کنار رودخانه نشسته و دریا و رود خانه را تماشا می‌کردند، دیدند موج، صندوقچه‌ای را آورد. قرآن می‌فرماید: «يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ»<sup>۳</sup> کسی که هم دشمن خدا و هم دشمن موسی بود، مأمور شد، موسی را گرفتند، محبت او به دلشان آمد، تصمیم گرفتند او را به فرزندی گرفته و به کاخ ببرند.

۱- انبیاء، ۸۲

۲- طه، ۳۹

۳- طه، ۳۹

غرب هم، دشمن ایران و هم دشمن اسلام است، اما خداوند اراده می‌کند محبت امام خمینی(ره) به دل آنان بیافتد.

### ۵۱- هر چیز به جای خود نیکوست

معروف است هر که را برای یک کاری ساخته اند. انسان باید خود را کشف کرده تا بداند چه ظرفیتی دارد و به چه کار می‌آید، تا بتواند بهترین بهره برداری را از عمر و امکانات خود داشته باشد، یکی ممکن است به جبهه برود، ولی کاری از او ساخته نباشد، حتی به اندازه‌ی یک بسیجی و سرباز، اما از طرفی در جای دیگر به اندازه‌ی هزار نفر از او کار بر می‌آید. مثلاً شهید مطهری(ره) در تیراندازی و دوندگی و جست و خیز توانایی نداشت، اما در بعد فکری به اندازه‌ی میلیون نفر فکر و ایده و توان داشت.

### ۵۲- کدام سود و زیان؟

قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (ای پیامبر! به مردم) بگو: آیا شما را خبر کنم از زیانکارترین افراد؟ «الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»<sup>۱</sup> آنانکه در زندگی دنیا گمراه شده و گمان می‌کنند راه صحیح و درستی را می‌روند.

آن، باخته است که نمی‌فهمد، هر کس بداند که نداند، این خوب است، وای به کسی که نداند که نداند. خوارج امام علی(علیه السلام) را کشتند به این فکر و اعتقاد که عبادت می‌کنند.

۱- کشف، ۱۰۳-۱۰۴

زمان طاغوت هم، طلبه‌ای را دستگیر و به ساواک بردند، ماموران او را می‌زدند، گفت: چرا می‌زنید؟ گفتند: ما از دولت و شاه، حقوق می‌گیریم، باید کاری انجام بدهیم وگرنه شرعاً حقوق گرفتن ما اشکال دارد! وای به حال کسی که خلاف می‌کند و شرعی هم می‌داند. تحت عنوان ایدئولوژی اسلامی آیت الله دکتر شهید بهشتی(ره) و هفتاد و دو تن را تکه تکه می‌کند و تحت عنوان برخورد انقلابی، گروه فرقان، علامه مطهری(ره) را قریه الی الله ترور می‌کنند و تحت عنوان قاطعیت خشونت می‌کنند، اینها در بازار دنیا از همه زیانکارتر هستند.

### ۵۳- محتوای کتاب معارف

عقیده‌ام این است که باید معارف دینی دانشکده مدیریت، نامه‌های حضرت علی(علیه السلام) به استانداران و معارف دانشکده‌ی علوم تربیتی، دعای مکارم الاخلاق، برای دختران، کتاب حجاب و حقوق زن علامه شهید مطهری(ره) باشد. معارف موجود جاذبه نداشته و تاثیر رفتاری هم ندارد یا کم دارد. چه مانعی دارد که معارف دینی دانشگاه پزشکی از روایاتی باشد که مربوط به بهداشت و طبابت است؟

یک فرهنگی معلم می‌گفت: در زمان طاغوت به من فشار آوردند که کتاب انقلاب سفید شاه را درس بدهم، من هم چنان سخت و با دقت آن کتاب را تدریس کردم که وقتی دانش آموزان، از کلاس و مدرسه بیرون می‌رفتند، می‌گفتند: مرگ بر انقلاب سفید و کتاب آن، از نحوه‌ی درس دادن من از

محتوای کتاب متنفر شدند. بله اگر تعلیمات دینی دبیرستان و معارف دانشگاه را بد بنویسیم، دانش آموز و دانشجو از دین فراری و متنفر می‌شود.

#### ۵۴- که و چه کتابی؟

قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>۱</sup> بندگان خدا، سخنان را می‌شنوند و بهترینش را انتخاب می‌کنند.

کسانی که می‌توانند خیر و شر، خوب و بد، محکم و ضعیف مطالب و حرف‌ها را تشخیص بدهند، برای مصلحت بالاتری می‌توانند بخوانند، مثلاً: علامه شهید مطهری(ره) کتاب‌های مارکسیسم و مجاهدین را مطالعه کند، اشکال ندارد. اما جوانانی که اطلاعاتشان ضعیف است و خوب و بد را نمی‌توانند تشخیص بدهند حق ندارند کتابهایی که زمینه انحرافی دارد مطالعه کنند. مثل فردی که به امور برق آگاه و وارد نیست، حق ندارد به این امور بپردازد، چون قدرت تشخیص ندارد. در بعضی کتابها، شعارها زیباست و جذاب ولی منحرف کننده است. چند سال قبل از منافقین اعلامیه‌ای به دستم رسید، نوشته بودند «ما خواهان رفاه کارگران هستیم» «ما خواهان عدالت اجتماعی هستیم» «ما خواهان حق بیمه و بهداشت هستیم» «ما خواهان حق مرخصی و حق اعتصاب برای کارگران هستیم»، خوب ما هم همین‌ها را می‌خواهیم و

اسلام بر آن تاکید فراوان دارد ولی آنها اول این شعارهای زیبا و بعد مطالب انحرافی خود را مطرح می‌کنند تا با این نوع شعارهای زیبا افراد را به خود جذب و جلب کنند.

خودم قبل از انقلاب، خدمت علامه شهید مطهری(ره) رسیدم. گفتم: بفرمائید چه کتاب‌هایی برای من خوب و مفید است؟ و شما به مطالب آن اعتماد دارید و مطالب قرص و محکم است، آنها را یادداشت کنم، یادم هست یکی از آن کتابها به نام «کشف الارتیاب» بود، آن را داشتم تا اینکه ماجرای کشتار حاجیان به دست آل سعود پیش آمد و از آن کتاب در این باره استفاده‌ی زیادی کردم.

#### ۵۵- تحکم یا حکومت؟

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: مرد در خانه حق حکومت دارد نه تحکم. بین حکومت و تحکم فرق است. مرد می‌تواند درخانه همراه با بیان استدلال، فکر و بینش بگوید این کار خوب و این کار بد است، اما تحکم این است که بگوید: چون من گفته‌ام، تو هم باید چنان کنی، آن هم بی دلیل. این تحکم و زورگویی است.

#### ۵۶- داناترین مردم

حدیثی است از پیغمبر ﷺ که فرموده‌اند: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيَّ عِلْمِهِ»<sup>۱</sup> با سوادترین مردم، کسی است که علم و تجربه‌ی دیگران را با علم و تجربه‌ی خودش جمع کند.

مثل فقهای عصر ما که مطالب زیادی را از فقهای قدیم گرفته اند. هیچ مانعی ندارد که فرزندی از پدرش پول بگیرد، اما خانه‌ای قشنگتر از پدر بسازد.

علامه شهید مطهری (ره) در کتاب امدادهای غیبی بحثی دارد که نشانه‌ی سقوط و بدبختی امت چهار چیز است. من دلایل ایشان را گرفتم، (مثل یک شاعری که شعرهای سعدی را می‌گیرد و بر وزن آن شعر می‌گوید و معماری که نقشه‌ای را می‌بیند و بر طبق آن نقشه، خانه‌ای می‌سازد، البته ممکن است تغییراتی هم بدهد، چون علم بشر، رو به تکامل است.) فکر کردم و مطالبی را به آن افزودم و خدمت علامه ارائه کردم، ایشان مرا تشویق کرد.

#### ۵۷- اثر خون شهید

در باره امام حسین علیه السلام می‌خوانیم که: «وَ بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكُ» خدایا! حسین بن علی علیه السلام خونس را در راه تو داد، تا: «لَيْسَتْ تَقْدَرُ» تا مردم را از حیرت و شک و این که چه کسی راست یا دروغ می‌گوید بیرون بیاورد. گاهی خون انسان اثر می‌کند. اگر علامه مطهری، شهید نمی‌شد، کتابها و ایده‌های ناب و هدایتگرش اینطور رشد نمی‌کرد. البته برای خانواده شهید بسیار سخت است ولی برای ثبات پایه‌های نظام اسلامی و هدایت نسل جوان در حال و آینده و برای روشن شدن، عوض کردن و تحول در دیدگاههای انحرافی، لازم و ضروری است. ما در طول عمر تعداد اندکی را می‌توانیم تبلیغ

کنیم، ولی خون چنین شهیدانی یکباره فکر میلیون‌ها نفر را عوض می‌کند.

#### ۵۸- ارتباط وحدت و امر به معروف

علامه شهید مطهری (ره) در این رابطه نکته بسیار زیبا و جالبی دارند. در باره امر به معروف و نهی از منکر در قرآن می‌خوانیم که: «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

خداوند در آیه قبل می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»<sup>۲</sup> و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و در آیه بعد هم می‌فرماید: «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا»<sup>۳</sup> و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند.

اینکه دو بار می‌فرماید: تفرقه نداشته و متحد باشید و در میان آن دو می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر کرده و جلوی فساد را بگیرید، یعنی تا وحدت نباشد امر به معروف اثر نمی‌کند.

۱- آل عمران، ۱۰۴

۲- آل عمران، ۱۰۳

۳- آل عمران، ۱۰۵



مثال: در خانواده؛ اگر پدر به پسر بگوید نماز بخوان و مادر بگوید بگذار بخوابد، پدر و مادر در این امر، وحدت نداشته باشند، یا اینکه: اداره برق بگوید: لامپ اضافی خاموش، ولی شهرداری در روز هم چراغها را روشن بگذارد. در نظام ناهماهنگ هیچ چیز بدست نمی‌آید. کاشی وقتی به دیوار می‌چسبد که پشت آن سیمان باشد. امریه معروف هم وقتی اثر می‌کند که در جامعه وحدت وجود داشته باشد.

### ۵۹- حقوق زن در قرآن

قرآن حقوق زیادی را برای زن برشمرده است. علامه شهید مطهری(ره) در باره یکی از آیات مربوطه نکته بسیار زیبا و جالبی دارد، اینکه در باره حقوق مالی زن می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ»<sup>۱</sup> صدق خانمها را به عنوان هدیه به آنها بپردازید. چون مهریه، قیمت و نرخ خانمها نیست، که بعضی خیال می‌کنند اگر مهریه آنها کم بشود نرخشان کم است. «صدق»، (مهریه) از صدق و راستی است، یعنی مرد، به زن می‌گوید: من علاقمند هستم که با تو زندگی کنم و ما نمی‌دانیم راست می‌گوید، لذا مهریه‌ای می‌دهد که این نشانه صداقت او در این محبت و دوستی برای شروع زندگی مشترک است. پس صدق، نشانه صداقت مرد است. «نحله»، هم به معنای عطیه و هدیه است. البته قرآن درباره مقدارش می‌فرماید:

«عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ»<sup>۲</sup> هر که به مقدار وسع و قدرتش این عطیه و هدیه را قبول کند، که به وقتش قادر به پرداخت آن باشد.

### ۶۰- غفلت زدائی

علامه شهید مطهری(ره) بحثی در این رابطه دارد که: انسان اگر موعظه نشود روحش زنگ می‌گیرد و دچار قساوت قلب و سنگدلی می‌شود. چقدر خوب و مؤثر است که گاهی پدربزرگ، بچه و نوه هایش را موعظه و نصیحت کند. برای همه ما یک دل سوخته‌ای قربه الی الله و با محبت، موعظه کند. قرآن می‌فرماید: زمانی که برای دیگران سخن می‌گوئید، همراه با موعظه باشد.

در قدیم علما موعظه می‌کردند و از این راه جلوی فساد را می‌گرفتند. گاهی یک موعظه مفید، کار هزار پلیس را می‌کند. موعظه از طرف انسان‌های خود ساخته‌ای که دوستشان داریم بسیار مؤثر است.

حدیث داریم که گاهی امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که مردم مشغول خرید و فروش بودند، وارد بازار می‌شد، و: «فَبَكَى عِبَادًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا وَ عُمَّالَ أَهْلِهَا إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَحْلِفُونَ وَ بِاللَّيْلِ فِي فُرْشِكُمْ تَتَأْمُونَ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ عَنِ الْآخِرَةِ تَغْفُلُونَ فَمَتَى تُحْرَزُونَ الزَّادَ وَ تُفَكَّرُونَ فِي الْمَعَادِ»<sup>۳</sup>

۱- بقره، ۲۳۶

۲- أمالی مفید، ص ۱۱۸

۱- نساء، ۴

پس گریه‌ی شدیدی کرد، سپس فرمود: ای بندگان دنیا و کارکنان اهل دنیا، از آنجا که در روز قسم می‌خورید و در شب به خواب آرمیده و می‌خوابید و در این میان از آخرت خود غافل هستید، پس کی می‌خواهید توشه‌ی آخرت بگیرید و درباره‌ی آخرت و قیامت خود فکر کنید؟

چه قدر خوب است در بازارها افراد محبوب، متدین، خیر و فعال، با بلند گو‌هایی که در همه بازار صدا را پخش می‌کند، روزی چند دقیقه، مردم را موعظه و نصیحت کنند و در باره گرانفروشی، کسب حرام، غشّ در معامله، احکام کسب و تجارت و... صحبت نموده و غفلت زدایی کنند.

شیخ بهایی(ره) در باره انسانهای غافل چنین تشبیهی فرموده: غافل مثل فردی است که شیر دنبالش می‌دود، او هم می‌بیند که شیر الآن او را می‌درّد، به چاهی پناه می‌برد، با طنابی داخل چاه می‌رود، وسط چاه که می‌رسد، می‌بیند که ته چاه، آژدهایی دهانش را باز کرده و بالای چاه هم شیر ایستاده است، بعد می‌بیند که لایه‌های طنابی که به دست دارد، یکی یکی، پاره می‌شود، دو موش سیاه و سفید، (تشبیهی از شب و روز که عمر انسان را کوتاه می‌کنند) نخ‌ها را جویده و پاره می‌کنند. بعد می‌بینند، کنار دیوار چاه هم چند تا زنبور مقداری عسل درست کرده اند، ولی عسل‌ها با خاک، مخلوط است، حالا چطور در این شرایط حساس عمل کند تا جان سالم به در برد و از آن عسل‌ها هم استفاده کند. از یک طرف، مرگ به دنبال

ما و از طرفی قبر جلوی ما است، و شب و روز هم طناب عمر ما را پاره می‌کنند و ما هم همچنان بی توجه هستیم. مرحوم علامه نراقی(ره) هم این تشبیه را، به صورت شعر در آورده است؛

هست این دنیا چّه عمرت رَسَن \*\*\* روز و شب هستند موشان بی سخن  
رشته عمر تو را لیل و نهار \*\*\* پاره سازد لحظه لحظه تار تار  
اژدها قبر است بگشوده دهان \*\*\* منتظر تا پاره گردد ریسمان  
دهر باشد شیر مست پر غرور \*\*\* تا کشد جان تو را از تن برون  
مال دنیا انگبین و اهل آن \*\*\* جمله زنبورند نی بل بر غمان  
از پی این شهید زهر آلوده چند \*\*\* در جدل با ریش ما لان ای الوند  
به هر حال مسئله غفلت بلائی است که باعث می‌شود انسان نفهمد که جوانی خود را کجا خرج کند. علامه شهید مطهری(ره) ۵۰ کتاب نوشته است، در شبهای طولانی زمستان، هر هفته یک کتاب و در فاصله یک سال می‌توان، یک دور آن کتاب‌ها را مطالعه کنیم.

#### ۱-۶ - به رسم امانت

علامه شهید مطهری(ره) داستانی را نقل می‌فرماید: زن با ایمانی، فرزندش از دنیا رفت، او را پنهان کرد و زمانی که شوهرش به خانه آمد، با لبخند و روی باز با او برخورد نموده و مثل همیشه از او استقبال و پذیرایی کرد، همینطور که غذا می‌خوردند زن گفت: اگر کسی امانتی به شما بدهد و بعد از مدتی پس بگیرد ناراحت شده، اعتراض کرده و نق می‌زنی؟ گفت نه، گفت: فرزند، از ما نبود، خدا داد و امروز هم آن را پس گرفت.

## ۶۲- زمینه سازی

علامه شهید مطهری (ره) در زمستان، برای هم حجره‌ایش، از رودخانه قم آب می‌آورد (در زمانی که آب لوله کشی و شهری به این صورت نبود) آن را گرم می‌کرد، بعد او را صدا می‌زد که بلند شده و از آن آب، وضو بگیرد و نماز شب بخواند. باید امکانات و شرایط را برای بچه‌ها فراهم کنیم. آن وقت آنها را به نماز دعوت کنیم.

همانطور که اسپرین بچه‌ها با بزرگ ترها فرق می‌کند، کوچکتر، شکلاتی و خوش رنگ بوده و رنگ و لعاب بهتری دارد، نماز بچه‌ها هم باید با نماز بزرگ ترها فرق بکند، کوتاه، خلاصه و شیرین باشد. مدیر مدرسه اول کسی باشد که در نماز شرکت می‌کند. به هر حال نماز نوجوانان و جوانان باید جاذبه داشته باشد. یکی می‌گفت: با بچه‌ام به نماز جمعه رفتم، در راه برایش شیرینی خریدم، از آن به بعد پسر من می‌گوید: بابا پس چه موقع به نماز جمعه می‌رویم.

## ۶۳- ارباب یا نوکر

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره افراد شکم پرست می‌فرماید: «هَمُّهَا عَلْفُهَا»<sup>۱</sup> افرادی که همت آنها علفشان است، (کنایه از آنکه فقط به فکر لذت دنیا هستند) آنها مثل حیوان هستند. علامه شهید مطهری (ره) در این رابطه نکته قشنگی فرموده که: «پول، نوکر خوبی است، نه ارباب خوب». یعنی انسان باید از اقتصاد و نعمت های مادی، استفاده کند، اما نباید فکرو

۱- بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۷۴

هدف و تلاش انسان دنبال آن باشد. یعنی شکم باید عقب مغز و فکر برود. نخ، باید عقب سوزن برود، نه سوزن عقب نخ برود.

## ۶۴- نماز و شیک پوشی

امام زین العابدین علیه السلام به هنگام اقامه نماز لباس های تمیز، عطر زده و شیک می‌پوشید، مردم می‌گفتند: به خانه عروس می‌روی؟ می‌فرمود: به خانه خالق عروس، به مسجد و برای اقامه نماز می‌روم. یکی از فضلاء حوزه علمیه قم می‌گفت، مدتی با شهید مطهری (ره) بودم، برای اقامه نماز، لباس کامل به تن کرده، مثل اینکه می‌خواهد منبر برود. بعضی از مردم هم به هنگام نماز، لباس رسمی راه بیرون آورده، با زیرشلواری و... نماز می‌خوانند.

لذا هر مدیر کل، استاندار، وکیل و وزیر که نمازخانه اداره‌اش از دفتر کارش تمیزتر و آماده‌تر نباشد، معلوم می‌شود که خودش را بر خدا ترجیح داده است، چون مسجد و نمازخانه محل ملاقات با خداست. هرکسی هم که ملاقاتی دارد با لباس رسمی می‌رود، ولی زمانی که می‌خواهد با خدا حرف بزند با لباس سبک باشد، یعنی نماز برای او از خلق اعتبارش کمتر است.

## ۶۵- حقوق و حجاب زن

در دانشگاه های ما چه آزاد و چه دولتی، دختران دانشجوی، به جای کتاب معارف که گاهی سنگین و گاهی هم بی ربط به نیاز مخاطب است، کتاب‌های شهید مطهری (ره) به خصوص کتاب نظام حقوق زن و حجاب را مطالعه کنند. البته حق زن

بر مرد بیشتر است. گاهی هم زن و مرد مساوی هستند و گاهی حق مرد بر زن بیشتر است. در قرآن حدود هشتاد آیه، مربوط به زن است. حجاب برای زن یک ارزش است.

هیچ عضو از بدن ما حجاب ندارد ولی چشم، حجاب دارد، چون چشم ظریف است، لذا خدا برایش حجاب ابرو و پلک و مژه را قرار داده است. حجاب به خاطر لطافت و ظرافت است و برای زن یک ارزش اضافه است.

### ۶۶- آزادی و آگاهی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup> و (به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند: پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. بر اثر خون شهادایی مثل شهید مطهری(ره) آثار و برکاتی شامل این مملکت و جهان اسلام شد.

رفته بودم اندونزی، از کتاب‌های علامه مطهری(ره) نمایشگاه بر پا کرده بودند. اگر جوان‌ها از خود گذشتگی نمی‌کردند، کتاب‌های این شهید عزیز به زبان اندونزی چاپ و پخش نمی‌شد.

الآن در مسجد دانشگاه نماز جماعت بر پا می‌شود، و استقبال به قدری است که سالن و حیاط پر می‌شود. در زمان طاغوت هم شهید رجایی خواست در زندان نماز بخواند، او را شکنجه کردند و به شلاق بستند.

یک سرهنگ در زمان طاغوت نمی‌توانست به راحتی در پادگان نماز بخواند، به بهانه رفتن به دستشویی، نماز می‌خواند، الآن چه نمازخانه‌های خوبی در پادگانها و سربازخانه‌ها ساخته اند.

### ۶۷- قصه گوئی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ إِن كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ»<sup>۱</sup> (ای پیامبر!) ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن- که به تو وحی کردیم- بر تو بازگو می‌کنیم و مسلماً پیش از این، از آن خبر نداشتی!

بعضی به شهید مطهری(ره) گفته بودند زشت است، شما کتاب داستان بنویسید (داستان راستان) کتاب علمی بنویسید. در حالی که داستان و قصه هنر مهمی است و خیلی اثر دارد. منتهی تا قصه گویش چه کسی و چه هدفی داشته باشد.

### ۶۸- حضور قلب

براساس روایات آن مقداری از نماز قبول می‌شود که حضور قلب داشته باشیم. مثل اینکه قسمتی از میوه را می‌خوریم، که فاسد نباشد. امام علی علیه السلام وقت نماز رنگش می‌پرید

ومی فرمود: وقت ادای امانت رسید، تیر را سر نماز از پایش خارج کردند، متوجه نشد. حضرت زهرا علیها السلام سر نماز، نفس نفس می زد. امام حسن علیه السلام به هنگام اقامه نماز می لرزید و امام سجاد علیه السلام مثل درخت و چوب خشک می ایستاد. قرآن در باره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ»<sup>۱</sup> ابراهیم آه می کشید.

ابوذر چوپان بود و در حال نماز، گرگ به گوسفندانش حمله کرد، ولی تکان نخورد. من مدتی در یکی از شهرستانها در خدمت شهید مطهری (ره) و در یک اتاق بودیم، نمازش خیلی طول می کشید، از نماز لذت می برد.

حدیث داریم: انسان وقتی گناه می کند، خدا کاری می کند که از نماز لذت نمی برد. چون مادامی که دل و توجه ما همراه نماز باشد، خداوند هم توجه اش به ما هست، و هر لحظه قطع شود او هم قطع می فرماید. امام صادق علیه السلام فرمود: من دوست دارم کسانی را که سر نماز حضور قلب دارند. یعنی کسی که نمازش با حضور قلب باشد خدا مهر او را در دلها قرار می دهد.

## ۹۶ - اخلاص

علامه شهید مطهری (ره) می فرماید: خداوند خالق وجود است و هر که بتواند با عبادت به خدا نزدیک بشود، از نردبان وجود بالا رفته و هستی در دست او قرار می گیرد خاک را به نظر کیمیا کند. مس را طلا می کند. عصا بر سنگ می زند آب

بیرون می آید، معجزه می کند. ولایت تکوینی پیدا می کند، حرفش به دل ها می نشیند، برای اینکه دل او مال خداست. «اخلاص» یعنی کارها و اعمال انسان برای رضای خداوند باشد، چشم داشتی از دیگران نداشته باشد. اخلاص، تقرب به درگاه خداوند می آورد و نزدیک می شود، و منظور از نزدیکی، مکانی و فیزیکی نیست، بلکه بالا رفتن از نردبان وجود است. حال نشانه اخلاص و قصد قربت چیست؟ آن است که از عمق جان، هیچ هدفی جز خدا نداشته باشیم.

امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء علیهما السلام برای نذری که داشتند، تصمیم گرفتند سه روزه بگیرند، در آستانه افطار، شب اول یتیم، شب دوم مسکین، شب سوم اسیر آمد و درخواست کمک کرد، برای رضای خداوند و بدون چشمداشت غذا را به آنها دادند و با آب افطار کردند. سوره انسان، در شان و مقام آنها نازل شد و فرمود: «لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»<sup>۱</sup> ما اراده نکردیم (از کمک به این سه نفر) تا (از آنها) پادش گرفته یا تشکر دریافت کنیم.

## ۷۰ - تجربه آموزی

من داستان زندگی ام را از کلاسداری برای جوان و نوجوان ها و اینکه کتابهایم را برای مطالعه در اختیار آنها می گذاردم، برای علامه شهید مطهری (ره) تعریف کردم، فرمود: این را بنویس، تا برای دیگران هم تجربه ای باشد. لذا توصیه و سفارش

می‌کنم که: هر طلبه‌ای فامیلی دارد و همسایگان و دوستانی دارد، حد اقل تابستان‌ها در محل و منطقه و شهر خودشان، جوانان و نوجوانان را جمع کند و برای آنها کلاس و جلسه داشته باشد.

#### ۷۱- شرایط زمان و مکان

در زمانی که دنیا، دنیای سحر و جادو بود، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به اذن خداوند، عصا اژدها می‌کند و در دنیایی که مسائل پزشکی رواج داشت، عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به اذن خداوند، مریضی‌های لا علاج را شفا داده و مرده را زنده می‌کند، و در دنیایی که فصاحت و بلاغت اوج گرفته، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جانب خداوند قرآن را می‌آورد. پس معجزات پیامبران طبق شرایط زمان و مکان است.

شهید مطهری (ره) می‌فرمود: کسانی که در نجف فتوی می‌دادند، چون نجف منطقه کویر و کم آبی بود، نظر می‌دادند که: اگر یک بار آب بر چیزی که نجس است بریزید پاک است، ولی علمایی که در سامرا فتوی دادند، چون کنار دجله و رودخانه بودند، نظرشان این بود که دوبار آب بریزید.

البته اصول احکام و قوانین اسلام برای همیشه و در همه حال، هر زمان و مکان، به هیچ وجه تغییر نمی‌کند و علم و تکنولوژی هم هر سویی برود همین است، ثابت است. مثلاً قرآن می‌فرماید:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»<sup>۱</sup> مادر باید دو سال کامل به بچه‌اش شیر بدهد. چه شرق چه غرب، چه دنیای الاغ سواری و چه دنیای آپولو سواری. یا نماز صبح در هر شرائطی دو رکعت است.

پس ما احکامی ثابت، و احکامی شناور داریم. قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup> (گوشت بعضی از حیوانات و گوشت مردار حرام است)، اما اگر فردی مضطر شد، (خوردن آن گوشت)، جایز می‌شود. یا روزه واجب است، اما مریض و مسافر نباید روزه بگیرد.

#### ۷۲- ترویج فرهنگ اذان‌گویی

حدیث داریم: وقتی یکی بلند اذان می‌گوید، شما هم آهسته اذان را تکرار کنید تا تلقین روحتان بشود. اینکه می‌گویند: با یک گل بهار نمی‌شود، صحیح نیست، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی بود و بهار شد. امام خمینی (ره) یکی بود بهار شد. یکی هم هستید، قیام کنید. هزاران جوان خوش صدا داریم که باید کشف و شناسایی شده و به صدا و سیمای استان‌ها معرفی شوند، و اذان نواری، تبدیل به اذان حلقومی و زنده شود. این هم که می‌گویند: با اذان صبح مردم از خواب بیدار و اذیت می‌شوند، این هم صحیح نیست، چه عیبی دارد که مردم با نام

۱- بقره، ۲۳۳

۲- بقره، ۱۷۳

و یاد خداوند بیدار شوند، مطمئناً کسی با صدای اذان ضعف اعصاب نمی‌گیرد.

آنقدر اذان گفتن، ثواب دارد که امیرالمومنین علیه السلام فرمود: برای اذان گفتن فرزندانم، حسن و حسین با پیامبر صلی الله علیه و آله چانه می‌زدیم، فرمود: نه، بلال باید اذان بگوید. حدیث داریم: امیرالمومنین علیه السلام بر پشت بام مسجد کوفه چنان اذان می‌گفت که مردم کوفه از خواب بیدار می‌شدند. آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) تا روزهای آخر عمر خود در حیاط منزل، اذان می‌گفت، علامه شهید مطهری (ره) اذان می‌گفت، شهید آیه الله دکتر بهشتی (ره) در مدرسه‌ی حجتیه قم، اذان می‌گفت. حدیث داریم: دوره‌ی آخرالزمان افراد مشهور خجالت می‌کشند اذان بگویند.

اسلام می‌فرماید: به وقت نماز، اذان بگوئید، که در این صورت، فضا سازی می‌شود، و یک ریال هم تأمین اعتبار نمی‌خواهد، ساده‌ترین کاری است که موج در شهر و کشور می‌افتد. اذان یعنی شکستن سکوت، یعنی من هستم، یعنی افتخار می‌کنم که مسلمان هستم.

### \* شناخت حق

ما باید تمام کارهای خود را بر اساس موازین حق تنظیم کنیم تا از راه حق منحرف نشویم. اگر علامه شهید مطهری (ره) داستان راستان می‌نویسد، یعنی از مواردی که در تاریخ بر اساس حق و حقیقت اتفاق افتاده درس و عبرت بگیریم.

قرآن حدود ۲۶۸ قصه دارد. بسیاری از داستان‌های دیگر معمولاً ساختگی است. اما داستان‌های قرآن همه حق بوده و واقعیت دارند؛ «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ»<sup>۱</sup> این همان سرگذشت واقعی (مسیح) است. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى»<sup>۲</sup> ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می‌کنیم آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم.

انسانی که راهش حق است، نگران نیست. مثل یک راننده که می‌داند؛ ماشینش سالم، بنزین هم دارد، خودش سالم است، گواهینامه دارد، چشم هایش خوب می‌بینند و ... این راننده هیچ دغدغه‌ای ندارد.

### ۷۳- احساس مسئولیت و دقت در کار

کارها و مسئولیتی که قبول می‌کنیم، باید درست انجام دهیم، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام بیت المال جمع می‌شد، سریع نماینده‌های خود را احضار نموده و بیت المال را تقسیم می‌فرمودند و بعد، جای آن را جارو زده و دو رکعت نماز اقامه کرده و می‌فرمود: «الحمد لله» که این کار به خوبی انجام شد.

تعهد و سوز، کار ساز است. خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: می‌دانی چرا پیامبری را به تو واگذار کردم؟ در تو یک سوزی بود که در دیگران نبود. علامه شهید مطهری (ره) بحثی

۱- آل عمران، ۶۲

۲- کهف، ۱۳

دارد به نام «درد و بی دردی»، بی درد، یعنی بی تعهد. یعنی کسی که سوز ندارد و غصه نمی خورد. علامه شهید مطهری(ره) سوز و گریه داشت، غصه می خورد. یک هفته در اهواز، خدمت ایشان بودم، نمازهای طولانی و با حال داشت، در نماز شب زیاد گریه می کرد. مقام معظم رهبری (دام عزه) می فرمود: در مشهد، به خانه ایشان رفته بودم، در نماز شب گریه هایی داشتند. بله باید از درون پُر باشیم، تا از بیرون عزیز باشیم.

یک روز آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) می فرمود: وقتی می فهمم طلبه ها درس نمی خوانند، به قدری غصه می خورم که تب می کنم.

#### ۷۴- کار، فعالیت و تحصیل زن

علامه شهید مطهری(ره) می فرمود: در زمانی که در کل حجاز ۱۷ نفر با سواد بیشتر نبود، پیامبر ﷺ با خبر شد که خانمی با سواد است، به او پول داد تا به همسرش سواد بیاموزد.

سؤال: آیا اینکه قرآن می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...»، زن ها در خانه هایشان بمانند. با فعالیت های اجتماعی به خصوص امر تحصیل، منافات ندارد؟

جواب: با مطالعه آیه بعدی جواب روشن می شود، که می فرماید: «وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا<sup>۱</sup> آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید خداوند لطیف و خبیر است!

پس «قَرْنَ» نه به معنای این است که بیکار بنشیند، چون بعد از آن می فرماید: «وَادْكُرْنَ» یاد کنید، «مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ»، آنچه تلاوت می شود در خانه هایتان، «مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» از آیات خدا و حکمت. پس «قَرْنَ» یعنی: قرار بگیرید و وقار داشته باشید. زن در خانه اش بنشیند، اما با تلاوت و حکمت آشنا شوند، اهل تحقیق و مطالعه باشند، و دانشمند شوند. نه اینکه زن در خانه بنشیند مثل یک اسیری که در اردوگاه است. درخانه نشستن، به معنای بی سوادی نیست، محرومیت از علم و دانش نیست، بلکه سفارش می فرماید: که علم و حکمت را رها نکنید. در خیابان جلوه گری نکنید اما علم و حکمت داشته باشید. الآن خیلی قیافه ها سوپر دولوکس است، اما در در کسب علم و دانش و هنر حقیقی کمرنگ شده ایم. هم دارند. و بر عکس، افرادی داریم که هیچ جلوه گری نمی کنند اما از نظر علم، دانش و هنر به جامعه خدمتگذاری دارند.

#### ۷۵- زمان خوب و بد

امیرالمؤمنین عليه السلام می فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ لَّا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ»<sup>۱</sup> هر روزی که در آن گناه نشود روز عید است.



مرحوم علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان(ره) می‌فرماید: خوبی و بدی ایام مربوط به اعمال ما است و عقیده ما، که آن را نحس می‌دانیم. مثلاً عدد ۱۳ را نحس می‌دانیم و حال آنکه ۱۳ رجب، نفرِ دوم عالم هستی یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمده است.

علامه شهید مطهری(ره) نقل می‌کند که: در منطقه ما (فریمان) عقیده داشتند که هرکس صبح از خانه بیرون آید و سید ببیند سالم به خانه بر نمی‌گردد. و ما ریشه این عقیده خرافی را کشف کردیم که: بعد از بنی امیه، بنی عباس هر سیدی از نسل و فرزندان فاطمه زهرا(س) را حتی در خانه پیدا می‌کردند، او را می‌کشتند، لذا از آن ایام به بعد مردم به این معتقد شدند که در هر خانه‌ای سیدی باشد آن خانه نابود می‌شود، از آن پس، این خاطره بد، در ذهن‌ها ماند، و یک خاطره بدِ سیاسی تبدیل به خاطره بدِ اعتقادی شد.

#### ۷۶- بنده خوب خدا

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: یک جمله است، اگر از یک طرف بخوانیم صحیح، و از طرف دیگر غلط است، دنیا برای انسان، صحیح، ولی انسان برای دنیا غلط است. ما برای دنیا نیستیم، بلکه دنیا برای رشد، ترقی و تکامل و تقرب ما به خداوند است. در سوره «صاد» داستان دو پیامبر آمده است که

برای هر دو می‌فرماید «نِعْمَ الْعَبْدُ»<sup>۱</sup> یکی حضرت سلیمان علیه السلام است، که خداوند تمام مظاهر حکومت و قدرت را به او بخشیده است و یکی هم حضرت ایوب علیه السلام است که زندگی‌اش همراه با مشکلات زیادی، مثلِ مریضی که زندگی‌اش را از هم متلاشی می‌کند، تا آنجا که معروف شده: فلان چیز صبر ایوب می‌خواهد، در عین حال خداوند نسبت به هر دو پیامبر، جمله: «نِعْمَ الْعَبْدُ» را بکار می‌برد. از این معلوم می‌شود که شرف انسان به پشم و نخ، پست و مقام، و لذات ظاهری دنیا نیست، انسانیت، اخلاق و معنویت ارزش دارد. اگر آمار بگیریم، خانواده‌هایی که از روی چشم و هم چشمی، متلاشی شده‌اند، گویای این حقیقت است. و حال آنکه بسیاری از اختلافات بر سر لباس، عروسی، تالار، ماشین، خانه، طلا، قالی و جماد است.

#### ۷۷- فقط به نام خدا

علامه شهید مطهری(ره) می‌فرمود: کسی که می‌گوید: به نام خدا و خلق خدا، مشرک است. (مثل منافقین) در حالی که قرآن می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ»<sup>۲</sup> بگو خدا و بقیه را رها کن. (کسی را کنار خدا نگذار)

در منزل آیت الله العظمی بروجردی(ره) و با حضور ایشان مجلس روضه خوانی بود، فردی گفت: برای سلامتی آقا امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و آیت الله بروجردی صلوات بفرستید. ایشان خیلی ناراحت شد و فرمود: این آقا غلط کرد که اسم مرا کنار اسم امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ گذاشت. آن حضرت کجا و من کجا!

### ۷۸- تذکر و یادآوری

علامه شهید مطهری (ره) می فرمود: تمام موارد تذکر در قرآن به این معناست که خداوند می فرماید: خودت هم می دانی. مثل فرزندی که برای پدر و مادر گردن کلفتی می کند خدمات والدین را متذکر می شوند تا از غفلت بیرون آید، چه بسا متذکر شده و عذر خواهی می کند.

قرآن می فرماید: «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»<sup>۱</sup> آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می آفریند، همچون کسی است که نمی آفریند؟! آیا متذکر نمی شوید؟  
«تذکر» یعنی: معرفت هست، غفلت شده و باید یاد آوری شود.

### ۷۹- تحریف عاشورا

علامه شهید مطهری (ره) بحثی با عنوان آفت‌های عزاداری و تحریف‌های عاشورا دارد که: هیچ تاریخی مثل کربلا آنقدر دروغ به آن نبسته‌اند. بعضی از روضه‌ها و شعرها دروغ است و در جلساتی که دروغ می گویند، نشستن در آن حرام است. قرآن می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ»<sup>۲</sup> وای به حال کسانی که یک چیزی می نویسند می گویند این حرف خداست.

۱- نحل، ۱۷

۲- بقره، ۷۹

دو باره می فرماید: «فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ» دلیلی و استدلالی نداریم که ما به هر قیمتی که شده باید بگریانیم.  
قرآن در آیه دیگر می فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup> فقط کسانی که به خدا و پیامبر ایمان ندارند، دروغ می بندند. پس باید در منبرها حرفهای سست و بدون دلیل زده نشود. زیرا قرآن می فرماید: «لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۲</sup> لعنت خدا بر دروغگویان و: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»<sup>۳</sup> به درستی که خداوند اسراف کننده و دروغگو را هدایت نمی کند.

### ۸۰- تمدن ملی و دینی

توصیه و سفارش می کنم که کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران علامه شهید مطهری (ره) را دقیق و چند بار بخوانید، تا مطلع شوید که ایران چه تمدن بزرگی داشته است. زمانی که در اروپا چاپخانه اختراع شد، دومین کتابی که چاپ کردند، کتاب ابوعلی سینا، از ایران بود. زمان امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ زمان هارون الرشید، مسلمانها ساعت اختراع کرده و به عنوان هدیه برای پادشاه فرانسه فرستادند، به آن نگاه کرد گیج شد، گفت: حتماً چینی عقربه هایش را می گرداند. یعنی زمانی که ایران مخترع داشته، اروپا عقب افتاده در علم و دانش بود. اگر بدانیم که ما از چه سابقه و ریشه‌ای برخوردار هستیم، خودباختگی

۱- نحل، ۱۰۵

۲- آل عمران، ۶۱

۳- غافر، ۲۸

نخواهیم داشت، بعضی‌ها در اصلاح ریش و سبیل خود هم خودباخته هستند. مکتب ما غنی است، اسلام سفارش فرموده: نوزاد از شیر مادر استفاده کند، اما آنها تبلیغ کردند برای شیر خشک، زن‌های ما تحریک و تشویق شدند به شیر خشک، حالا کنگره می‌گذارند، برای آفات و آسیب‌هایی که از شیر خشک بدست می‌آید، و از طرفی برکات شیر مادر را بر می‌شمارند. چرا دست کشیدید که حالا کنگره بگذارید. روایت داریم: بهترین غذای نوزاد شیر مادر است. چرا از مکتب خود غافل شده و به دنبال دیگران می‌رویم، و بعد هم پشیمان می‌شویم. برای کلاه نمدی تبلیغ منفی کردند که نشانه دهاتی بودن و عقب افتادگی است، بعد کلاهی به نام شاپو سر ما گذاشتند، نمد خودی را برداشته و شاپو غربی‌ها را گذاردیم. گفتند: لباس بلند برای عرب‌ها و نشانه عقب افتادگی است، کم کم، کوتاه و کوتاه شد، تا بالای زانو رفت، بعد دوباره گفتند: ما هر کسی که از هر قبا و عبایی بلندتر شد. این برخوردها تحقیر یک ملت است، که هرچه خود می‌خواهند و می‌پسندند بر ما تحمیل کنند.

### ۸۱- ویژگی‌های علم و ایمان

علامه شهید مطهری (ره) چه زیبا فرموده: علم، طبیعت ساز و ایمان، انسان ساز است، علم، نیروی منفصل و ایمان، نیروی متصل است، علم، زیبایی عقل و ایمان، زیبایی روح، علم، امنیت بیرونی و ایمان، امنیت درونی است. با علم می‌توانیم دوربین‌های مخفی بگذاریم، سگ را آموزش بدهیم تا مواد

قاچاق، تریاک و زلزله را خبر بدهد، امنیت بیرونی را حاصل می‌شود، اما ممکن است با همه اینها امنیت درونی حاصل نشود، با چه چیز این امنیت حاصل شود، قرآن می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۱</sup> با یاد خدا دل آرام می‌گیرد.

با پیشرفت علم و احداث سد می‌توان در مقابل حوادث سیل، و انواع بیماری ایستاد. تمام کارهای علمی برای این است که امنیت داشته باشیم، اما بالاخره امنیت درونی به چه شکل حاصل و تامین می‌شود؟.

این سخنان حکیمانه که برگرفته از علم و حکمت و قرآن و حدیث است، باید برای ما، دانشگاهها، مدارس، مراکز علمی، بازار و... تابلو شود، تا هر روز آنها را بخوانیم، دبیرستانی و دانشجوی فکر نکند که با مطالعه مثلاً صد کتاب و گرفتن لیسانس و فوق لیسانس، دیگر نیازی به دین و ایمان و تقوا ندارد، بلکه هرچه خطر و اضطراب بیشتر باشد، نیاز ما به ایمان بیشتر است.

علم به ما روشنایی و توانایی، اما ایمان به ما عشق و امید می‌بخشد. علم ابزار، و ایمان مقصد می‌سازد. علم، سرعت و ایمان جهت می‌دهد، علم، توانستن و ایمان، خوب خواستن است، علم می‌نماید که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد، علم، انقلاب بیرون و ایمان، انقلاب درون است، علم جهان را جهان آدمی و ایمان، روان را روان آدمیت

می‌کند، علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می‌برد، علم، زیبایی ظان و ایمان، زیبایی عقل، روح، اندیشه و احساس است. هم علم به انسان امنیت می‌دهد هم ایمان، علم در مقابل هجوم بیماری، سیل، زلزله و طوفان‌ها، ایمنی می‌دهد و ایمان، از اضطراب، تنهایی، احساس بی‌پناهی‌ها امان می‌دهد، علم جهان را با انسان و ایمان، انسان را با خدا و خودش سازگار می‌کند.

بعضی از سخنان خوردنی و جویدنی است ولی سخنان این عزیز شهید، بلعیدنی است. باید در همه دانشگاه‌ها، تابلو شود که باسواد شدیم، اما رابطه ما با خدا، با خود، با جامعه، چگونه است. مثل اینکه: بازوی ما در زورخانه و میدان ورزش، قوی شد، اما دست کدام ضعیف را برای کمک گرفتیم؟

## ۸۲- هدایت جامعه

علامه شهید مطهری (ره) ویژگی‌های خاصی داشت. با اینکه انسان با هوش و پر تلاشی بود و در درس مراجع بزرگی مثل آیه الله العظمی بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرده و مورد توجه و علاقه آن عزیزان بود، همه را رها کرده، به تهران و دانشگاه رفت، عالمانه مقاله نوشت و به سوالات و شبهات پاسخ می‌داد. یک زمانی هم احساس کرد اسلام، ایران و عرب را تضعیف می‌کنند، کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران را تالیف فرمود. بعد دو کتاب ارزشمند حجاب و نظام حقوقی زن را به جامعه تشنه و نیازمند آن روز عرضه نمود. در حقیقت، در آن زمان، هنر نمایی کرد.

## ۸۳- نظر عالم سنی و محل تولد امام علی علیه السلام

قبل از انقلاب، به دعوت و میزبانی شهید آیه دکتر بهشتی و علامه شهید مطهری و دکتر مفتاح (ره) یکی از علمای معروف و مشهور مصری به قم آمد، جلسات زیادی با علمای قم داشتند. در یکی از جلسات این عالم سنی گفت: ما و شما، امیرالمؤمنین علی را قبول داریم، چون قرآن از قول پیامبر فرموده: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>۱</sup> من اجری جز مودت و محبت اهل‌بیتم را از شما نمی‌خواهم، اما سؤال من از شما علمای شیعه این است که: چرا علی در کعبه متولد شد؟ عقیده من این است که برای این خداوند تولد علی را در کعبه قرار داد، که مردم روزی پنج بار که نماز می‌خوانند و متوجه کعبه می‌شوند، یادِ علی هم بیافتند.

## ۸۴- خطر فتنه

در هر زمان، عابد جاهل یعنی مقدس احمق، باعث فتنه می‌شود. در زمانی که گروه فرقان علامه شهید مطهری (ره) را ترور کردند، اینها قرآن می‌خواندند و تفسیر هم می‌کردند، چنین جنایاتی را هم انجام می‌دادند. در کربلا عمر سعد به لشگر یزید که برای کشتن امام حسین علیه السلام حاضر شده بودند، می‌گفت: «يَا حَيْلَ اللَّهِ ارْكَبِي»<sup>۲</sup> ای لشگر خدا سوار شوید و حسین را بکشید. یعنی کشتندگان امام حسین علیه السلام لشگر خدا

۱- شوری، ۲۳

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱

شدند. نماز جماعت هم داشتند. این مصداق عابد احمق است. خوارج هم همینطور بودند. ابن ملجم (قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام) جای سجده اش، پینه بسته بود. عابد احمق، یعنی کسانی که در جنگ صفین قرآن‌ها سر نی دیدند و در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند، و هرچه آن حضرت علیه السلام فرمود: قرآن بر نی نوشتاری است و قرآن ناطق من هستم، فایده‌ای نداشت.

شاهی هم که دستش به خون افراد بی گناه زیادی آلوده بود، مکه می‌رفت، لباس احرام می‌پوشید، دعا هم می‌کرد، عکسش را چاپ و پخش می‌کردند. اگر انسان بصیرت نداشته باشد، با ریش، چاپ قرآن، لباس احرام، و اینکه آقا مسجد ساخته است، پس آدم خوبی است. انسان گول خورده و هدفش را گم می‌کند.

### ۸۵- تبری و تولی یا جاذبه و دافعه

علامه شهید مطهری (ره) بحث و کتابی دارد، به نام جاذبه و دافعه، که در حقیقت معنای همان تولی و تبری است. باید حق را بپذیریم، باطل را هم رد کنیم. به نسل جوان و نوجوان، آموزش بدهیم که سازش نکنند. قرآن می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»<sup>۱</sup> (دشمنان شما) دوست دارند (از اصول خود) کوتاه بیاید، و با آنها سازش کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل

مشرکان فرمود: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ»<sup>۱</sup> کوتاه نمی‌آیم، حاضر نیستم، خدا را کنار بگذارم و به سراغ بُتهایی بروم، که خودتان آنها را تراشیده اید. خالق هستی را رها کنم و به بت احترام بگذارم؟ هر گز این کار را نخواهم کرد.

### ۸۶- نفوذ ناپذیری

در موعظه ی امیرالمؤمنین علیه السلام آمده: «أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ»<sup>۲</sup> تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. «تقوا» یعنی: نفوذ ناپذیری، یعنی خودت را حفظ کن. مثل کفش، برای این است که تیغ به پای ما نرود. تقوا هم یعنی: لباسی بپوشیم که تیغ گناه در فکر و اعمال ما نرود. امام زین العابدین علیه السلام هم از خدا می‌خواهد که: «الْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup> لباس متقین (تقوا) را به من بپوشان تا نفوذ ناپذیر بشوم. مثل دستی که چرب است و هنگام شستن، آب را پس می‌زند. و زمینی که سفت است، کلنگ بر آن کارگر نمی‌شود. تقوا به معنای عزیز و نفوذ ناپذیر شدن است.

اگر مارا با یک عکس، فیلم، نامه، وعده، پول و رشوه، منحرف کردند، معلوم می‌شود ما نفوذپذیر هستیم. مؤمن کسی است که از تهدیدی نمی‌ترسد و به هیچ تطمیع و وعده‌ای دل نمی‌بندد.

۱- کافرون، ۶

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۰

۳- صحیفه سجادیه، ص ۹۲

مثل میخ که هرچه بر سرش بکوبی، محکم تر می شود. توپ را هرچه محکم تر به زمین بکوبی، پروازش زیادتر و بالاتر می رود. به ظاهر امام حسین علیه السلام زیر سم اسب رفت، ولی راه و رسم و مکتبش برای همیشه ماندگار و گنبدش طلا و زوارش زیاد شد. این شکست و نابودی نیست، پیروزی و ماندگاری است.

### ۸۷- تاثیر دوست و همنشین

روایت داریم: «مُجَالَسَةُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّالِحِ»<sup>۱</sup> با آدم‌های صالح بنشینی، به سمت صلاح می‌روی و صالح می‌شوی. با علماء بنشینی، علمت زیاد می‌شود. با حکماء بنشینی، حکمت زیاد می‌شود. یکی از هم حجره‌ای‌های علامه شهید مطهری (ره) می‌گوید: یک شب خواب دیدم که حضرت امیر علیه السلام درب اتاق مرا می‌زند و می‌فرماید: بلند شو! نماز شب بخوان، از خواب بیدار شدم. طرفی دیدم هنوز اذان صبح نشده است، به فکر فرو رفتم، که بعد از لحظاتی درب اتاق به صدا در آمد، دیدم آقای مطهری است، می‌گوید: بلند شو نماز شب بخوان! آب برایت آورده‌ام (چون وضوخانه دور بود) بله دوست در زندگی انسان، بسیار مؤثر است.

### ۸۸- تولید، توزیع، مصرف

حدیث داریم: «عَالِمٌ نَاطِقٌ، يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ»<sup>۲</sup> مردم دنیا در برابر علم سه دسته هستند. یا تولید، یا توزیع، یا مصرف می‌کنند. تولید

کننده علم، مثل شهید مطهری (ره) توزیع کننده علم، مثل مبلغین دین، که کتاب‌های بزرگان را مطالعه کرده و با بیان و قلم توزیع می‌کنند، و مطالعه کنندگان و شنوندگان آنها هم مصرف کننده هستند.

### ۸۹- تشنگان فهم

علامه شهید مطهری (ره) می‌فرمود: اگر مقامات و مسؤولین به من اجازه بدهند من به سینماها می‌روم و سخنرانی می‌کنم، برای جوانانی که به مسجد و پای منبر نمی‌آیند، ولی تشنه فهمیدن هستند.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۰

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸